

ترمان سرمایه هنگفتی از خیرات و مبرات بقبضه اداره
حکومت خواهد آمد و خیلی تعلیقات عمومی و خصوصی
حکومت را تأیید خواهد بخشید ، اگر اهالی امریکا
و اروپا را اطمینان دست نیندازد ، اطمینان ضرورت به
تقدس مآب ندارد باید اصولی در کار گذارد که
کسی قادر بر قلب نشود چنانچه اروپائیان در هر
اداره گذارده اند

هیچ جای شبه نیست که جلب اطمینان ملت
بر اداره تعلیقات که اساس جمیع ترقیات صوری و
حقوقی حالیه و مآلیه ایران باید بروی او گذارده
شود از واجبات عینیه است ، ازین رو وزارت
معارف باید در جلب اطمینان ملت کمال ملاحظه را
نموده و منتهای هوشیاری را بخرج دهد ، چه
بدون اطمینان ملت بدین اداره محال است ترقی
حاصل نماید

(تو خود حدیث منحل بخوان ازین مجمل)

➤ روای ساده ➤

دوشنبه به حجره در آمدم خاطر خسته و چشم
از روزگار فرو بسته جلو میز تحریر نشسته و قلم
بدست گرفتم که سطورى چند نویسم تا مگر ملت
درمانده را ایضا و امت و مانده را انتهای بدید
آید ، قلم همچنان در دست شکسته ، و دفتر در کنار
خسته ، خاطر غمین ، دل حزین ، یارای نوشتن نیست
و توانای گفتم نی ، یا للعجب چیزی مانده مگر که
نگفته ، طریقی مانده مگر که نه رفته !!! مردم
هم چنان در حالت انجهداد ، ملت همان طور در
انجهداد ، باری بدین مایخولیا یارای گفتم نماید ، و
بدین اندیشه قدرت نوشتن از دست برفت ، کاش که
رفیق و شفیق از در درآید و این حزن و اندوه
مرضی را از دلم بزدايد ، در این خیال بودم که
مطلوب از افق حجره طلوعید ، و محوطه دل را بنور
دانش خویش روشن ساخت ، باستقبالت شتابه ، و
چون جان در کنارش گرفتم ، گفتم ای یار دیرین
باز آی که مرا از آمدن خاطر غمین شاد گردید ،
و دل محزون و خراب آباد ، گنت ای دوست
عزیز ، و ای جان با تمیز ، اندکی مرا فرو هل ،
و حالی بخيال خویشم بگذار که رنگ عذارم چون
حلاب ، و تن نحیفم چون سیاه در لرزش است ،

بخود گفتم ای بخت بد اندوه اندوخته ات بس
نبود ، که بطبع نخبف آن بنصه فوق الطافه گرفتار
و بصیبت فوق العاده دچار شدى ، خلاصه مطلوب را
با تن لرزان و چشم گریان بحال خود گذاشته ، و
خود زانوی تمبر در بزل گرفتم ، ناگهان بعد از
سکوت متمادی سر بر آورد و گنت - ساعت قبل
خوابی بس غریب و مکاشفه بس عجیب رخ داد ،
دیدم در بیابانیکه ندانستم کجا بود تاریکتر از اعماق
ابصار کوران و خالی تر از کله مستبدان نشسته گوی
گوی بزرگی را محوف نموده و آنرا بیابان نامیده اند ،
شدم از یکسوی بیابان ناله های حزین آید ، و
همی دل میخراشد - وحشت ناله های حزین بروحشت
تنهائی و بی کسیم افزود ، ناگهان از آن سو که صدای
زاری شنیده میشد برده برداشته شد ، دیدم محوطه
است بس وسیع که جمعی بهم گرد آمده ، نه قباءشان
در بر و نه کلاهشان بر سر است ، با حالی عربان و
خاطری بریشان معذبند ، دوست نگریستم دیدم سفر
پیش نیستند و هر يك موکل غذای دارند ، در اول دیدم
مردی بلند بالا کاشف العموره در ایستاده و بخیلی جلی
در سینه او منقوش است که (۳۰۵ - ۳۰۵ - ۳۰۱)
از مشاهده این مطلب صورت عقل از کله ام محو
و دیگر حالت جلوس و توقف نماید برخواسته اقلان
و خیزان ، و دوان دوان بطرف معذبین میرقم ،
که صورت واقعه را کشف ، و وحشت را از خود
بر طرف نمایم ، بالفور یکی از موکلین با صدائی
خشن و ندائی نازیبا ، و صورتی موحش گنت
بر گرد که صورت واقعه بر تو مستور نخواهد ماند ،
گفتم یقین کشف این واقعه بر من از اینروی خواهد
بود که مرا نیز مانند ایشان معذب خواهند نمود ،
خدا را ازین معما برده بردارید و مرا بخوبستن
وا گذارید ، این خیال که به سرعت برق در کله ام
طلوعید ، ناگهان یکی از موکلین عذاب بطرف
من شتاید ، گنت بیا و در گوشه بنشین و دفتر
مجرمین را سراپا به بین ، در اینوقت شغف من
سرحدی نداشت که دانستم از این شغف مرا تسقى
نی ، برخواستم ، و لرزان لرزان آن و کارا ستودم ،
گفتم هان دستم بگیر که مرا طاقت رفتار نیست ،
سهمکین بر من نگریست گنت اگر اندکی از دست
من باعضای بدن تو محاس و تلصیق شود ، فوراً

آتش دو تو در گیرد ، آنوقت برای اطفای آت
 تام بجز کافی تواند بود ، خلاصه افتان و خیزان
 من از عقب او از پیش میرفتیم ولی وحشت من بحدی
 بود که یکی از مردمان عهد (برونز) در اول دنیا
 دقیقه از دقیق آورا ندیده بود ، رسیدیم بگوشه از
 آن بیابان که گوئی ضیائی از مه تابان بر آن مکان
 میتابد ، هوایش روح پرور آتش بس جلوه گر ،
 چهار درخت از چهارسو ماندی فاصله تن درکشیده
 و سر بهم بر آورده بر فراش آن زمین ریک های
 سوده و برم با یک حبی مخصوص مرکب از
 جواهرات ملونه ریخته و انباشته اند ، مرا گشت که
 بدیجای سکن گیر ، و این دفتر را قرائت نمای ، دفتر
 را گرفتم دیدم بس حجم و ثقیل است که جیل
 ابوقیسی نموده ، و کوه قفقاز اموزجی از آن نیست ،
 اگر آن دفتر را بر فراز کوه دماوند یا (آارات)
 نهند از سنگینی آنها را توتیا نموده و باز مین یکسان
 میدارد ، بالجمله دفتر قهراً از کفم افتاد و زمین را
 بلرزه در آورد در نهایت عجز و انکار که مسلک هر
 شخص ترسند است از آن شخص موکل خواستار شدم ،
 که موضوع مکتوب این دفتر ، و شرح حال منذین را
 به من بالاخصتار باز نما ، گفت بدان که این بیابان
 دار مکافات ، و این دفتر دفتر مجازات و سیئات آن
 سه نفر است که دیدی ، و آن سه نفر خائین آستان
 قدس اند ، که بجرم خوردن سالی چندین هزاران
 تومان از موقوفات آستانه مقدسه و بقعه متبرکه
 حضرت نامن الاثمه (ع) معذباند ، و البته شنیدی
 و دیدی آن شخص بلند قامت را که در پیش و
 گریه و زاریش از همه بیش بود !! هات عمونه
 دیگران بود که چندی است از جانب حضرت
 رب امرت فرمان واجب الادعان صادر شده ، آن
 قلیان نگاری را که سالی مبالغی از ثروت امام هشتم
 خرج آن مینمود و هر روزه میکشید و در حالت
 اختلال حواس و مشاعر بحرم مطهر بعنوان زیارت
 بطور تدلیس میرفت ، سوراخ نموده و بگردنش آویخته
 ایم ، و سنگینی او را بمقدار سنگینی ده برابر کوه
 (حمایا) قرار داده ایم ، و حال این فریاد و زاری
 که از وی میشنوی به از برای گزیدن مار و کژدم
 است ، بلکه برای سنگینی آن قلیان نگاری است
 که چقدر علاقه محبت بدان داشت و حالیا بارگردان

و وبال تن گردیده است ، رسیدم این عذاب برای
 سایر اهالی آستانه نیز هست یا مختص او و اتباع
 وی است ، جواب داد خیر جز دو نفر دیگر که
 مجاز بذکر اسامی آنان نیستم برای احدی از اهالی
 آستانه مقدسه عذاب مقرر نگردیده نه آنها برای
 آنان طینت نیست بلکه عیش جاویدان برای آنان
 مقرر است ، زیرا که در ازاء خدمت روزانه و
 شبانه به بقعه رضوی (ع) با بی بضاعتی کثافت اندک و
 موجب کمی برای آنان مقرر بود ، و زیادی از آن
 را خائین بدون استحقاق و بخدمت برده و صرف
 منیات مینمودند ، گفتم ما حاصل نوشته های این دفتر
 چیست ، جواب داد تقصیرات آنان است که فصل بفصل
 و بطور یومیه نوشته شده ، سیئات هر روزه شان
 در فوق یک صفحه از این دفتر و مجازاتشان در ذیل
 آن ضبط است ، سه فقره مجازات سیئات شان که اشد
 مجازات است هر ار سال بدینگونه عذاب باید گرفتار
 باشند اول آنکه ثروت شخصی را بتدلیس تصاحب نمودند
 دوم آنکه در هیجان اخیره مشهد تعین زیاد بعمل
 آوردند که مورث زبان جمی از بندگان خدا شد ،
 سوم آنکه سالی چندین هزار تومان از ثروت حضرت
 رضا (ع) را که میبایستی صرف ضحای ملت گردد ،
 بی هیچ خدمت و آزر از رسول خدا ص برده
 و صرف منیات شرعیه نمودند بد دفتر را بقوتی
 هرچه تمامتر که در آن ساعت دارا بودم باز نموده
 ورق زده و صفحه شمردم ، دیدم همه آن بزبان
 تازی نوشته شده من که تازی هیچ نمیدانستم خواندن
 و آگاه شدن را نتوانستم ، ورق چند بر شمردم در
 صفحه دیدم که این آیات ذیل بفارسی درج و ثبت
 است ، مشغول خواندن او شدم

(ادبیات دار عقبا)

- ❖ ای نگار آ و نشین آر نگاری چه نگار
- ❖ زان نگاری که شود سر بسر آسوده فگار *
- ❖ برهاند ز غم و غصه درد وطنم
- ❖ نشلم بجهاث جز قد موزون نگار *
- ❖ رخ خود سرخ نیام جو عقیق یعنی
- ❖ قد خود راست کنم چون علم سر و بهار *
- ❖ نه بدل راه دم غصه درد وطنم
- ❖ دم از عمق دلم جله اندوه فرار *

- § خانی بین هلا واث قد موزون ویش
 وان بسرهای جوائش ز صفار واز کبار *
- § بین جهان قد برافراشته دارد چون سرو
 هین نکه کن که چگونه بودش چرخ مدار *
- § بین چگونه نهد از کبر قدم روی زمین
 هین چگونه بود او صاحب املاک و عقار *
- § نه بدله ذره از حب وطن جا دارد
 نه اش آموختن عشق وطن هست بکار *
- § چونکه او نیست زما از چه سبب دوست شود
 بلکه از ما و وطن مسلک او هست فرار *
- § کاش کابن جمله تمول ز خود او بودی
 کاشکی بود از اول بخر خویش سوار *
- § و این تمول همه از مال اعلم هشتم
 بود و میبرد او وقف خوری او را کار *
- § کاش در طبق همین نروت و این بیهدگی
 اندکی نیت خوش حسن عمل بودش کار *
- § آوخ آوخ که ندارد بجهانت حسن عمل
 حق از او وپسراش کشد از عدل دعار *
- § نه اش اندیشه ز فردای قیامت باشد
 نه که بر طبق مواجب بودش اندک کار *
- § کله اش روز و شب از دود سگاری ملو
 گاه بنشسته و گاه مانی و لیکس بیکار *
- § کاش کاو نفع ندارد ضررش نیز نبود
 عملش نیست نکو کاش نبودی بد کار *
- § گاه بر مجلس و مشروطه میکند نوهینات
 گاه سراید که دل از مجلس و مشروطه بدار *
- § ای فرو مسلک خوش دار و نکوباش و مکن
 کار بد مسلک خود را به دد و دیو سپار *
- § تو ز اولاد رسولی ز چه این بد عملی
 شرم کن از عمل خویش وز او دست بردار *
- § ز چه این گونه بری نروت آل طه
 زجه از کرده خود نیست تورا هیجت عار *
- § کرده زنت فرو هل بخوشی باش قرین *
- § بد ممکن باز بیاتخم به نیکوئی کار *
- § وره این کرد تورا بعد پشیمان کند
 بعد از آن روز و شب هست همی ماتم کار *
- § دو دعا کن همه ملت ایران شب و روز
 دو شب و روز بزی شاه بدین حسن جوار *
- § عیش تو در وطن ماست مگو از ما بد
 تا ترا هست در این ملک همی جای قرار *
- § پیش از آنیکه ترا ملک دگر حی شود
 قبل از آنیکه نشیند برویت گرد و نیار *
- § طمع و آز بنه راه خدا هشته نما
 راه تدلیس بنه مسلک خود ساز وقار *
- § دور کن این همه تدلیس ز اعماق دلت
 ماری آنها بنه و عقل بخود بو بیکار *
- § زچه رو صورت زردت همه از یاد برفت
 زچه شد رنگ رخت سرخ تر از دانه نار *
- § به گشوده وطن ما تو بکاره ز سر
 در رحمت که بیا اینست مکان ایست نثار *
- این ادبیات و شرح حال را تا آخر خواندم ولی همه را حفظ نکردم نتوانستم ، فریاد و زاری معذبین با آن آهنگ موخش چنان توان و طاقت را از من در ربود که صیحه مهیب زده و غش کرده افتادم ، چون بخود باز آمدم و از خواب بیدار شدم ، دیدم شمع کشته شده و اطاق تاریک و بدن ضعیف هنوز مرعش است ، چنین صلاح دانستم که نزد شاه آمده و رؤیا را کما ارای به شاه باز گویم که تعبیر آن را به من باز نمایند ، و مرا از این دعدغه خاطر آزاد سازید ، گفتم ای دوست جای نتیجه این رؤیاء ابدأ به شاه مریوط بست ، و ضروری از آن عاید شاه نخواهد بود ، و آننگی معذبین را معاینه نموده اید و جای خود را نیز دیده اید نتیجه این خواب و تعبیر این صواب غیر از آنکه دیده اید و میدانید نخواهد بود ، جز آنکه صنماً تماشائی نموده و ایاتی چند حفظ نموده اید و آننگی ادبیات دار عقبا که کسی را بر آن دسترس نباشد ، حالی از برده دیگر سخن ران که اجرای این خیال با امنای امور و وزراء و وکلای ماست ، مارا نرسد که در این باره سخن گوئیم ، امضاء مسافر جهنم
- ✽ نقل از روزنامه شریفه حکمت ✽
 (احتلال روس در ایران)
- روزنامه (سبکل) پاریس در مقاله افتتاحی خویش دو هفته قبل بشنوان بالا می نویسد وزیر مختار تازه روس همیشه در نه ماه قبل بطهران رسیده و از جزئیات و کلیات احوال ایران آگاه شد و عده اکید شبیه برسی بحکومت ایران نمود که در مدت آنکه صاه ...

ایران بیرون خواهد بود ، ولی حکومت پترسبورگ بخلاف رأی او رفتار نموده و بر تعدیات گوناگون بیفزود . حتی در یازدهم ماه ژولیا ۲۵۰ نفر از عساکر روس و ۸۰ قزاق با چهل اراده ذخائر از (جلفا) به تبریز گذشته و مأمورین گمرک در حدود بی‌جستجوی محمولات اراده ها برخاسته و کمال بی‌احترامی و بی‌بروایی را از عساکر روس دیدند . این سبب شد که جراند و رأی عام در ایران شوریده و بنام ملت احتجاج سخت بر این تعدیات آشکار روسی نمودند

از روزیکه احتلال بجای غیر مشروع روسی در ایران واقع شده است حکومت ایران شکایت و احتجاجات بی‌پای بروسیه کرده و خرق حقوق دوله را یکایک بحکومت روسیه نموده است . در حقیقه تمام یکسال میگذرد که ایران آرام و آسوده بوده مال و جان اجانب از هرگونه تعدیات مصون بوده است . پس کو آن و عود و نوید های روسیه که پارسال در همچنین روزی بایران مؤکد مینمود که بمجرد تأمین جان و مال اجانب سباهش را بیرون خواهد برد ؟ !

آنچه بر شناعة این تعدیات میافزاید آن اقرار همه مردم بوده که حکومت ایران در تأمین طرق و ایجاد آسایش و نظام از بذل همه گونه کوشش دریغ نمیکند ، حتی یکی از انگلیسان از کار ایران آگاه دو ماه قبل از ایران در نامه خود میگوید ، آسایش در شمال ایران روز افزون است و راه ها چو آب راه های انگلستان از هر خطر ایمن است برسد و پست با کمال انتظام که بهتر از آن ممکن نیست در گذران است اکنون حکومت در آرای سمت جنوب ایران میکوشد ، راهها از بوشهر تا شیراز ایمن و منتظم شده کاپوان بانها بایمن برگشت و گذارند ، این است مقاله انگلیسی کار آگاه که دو ماه قبل نوشته است پس از آن اداره پولیس بمسیو (فرم) قفقازی سپرده شده که او در حصار طهران (و حوادث اردبیل و قراچه داغ) داد مردی را داده مرد جنگی و حازم و کار آزموده است . این است احوال ایران قبل از دو ماه آيا در این دو ماه اخیر احوال

روسیه را حق مداخله بشنون شمالی آنجا نبوده زیرا آنجا امروز از هرجا آسوده تر و امنیت تر آنجا برقرار است .

از این تعدیات بی‌پای روسیه بایران علائق سیاسی ایران با دول افساق تلافی نیز رو بسق گذارده زیرا پس از آنکه معتمد سیاسی روسی با صراحت تمام و عده بانسحاب عساکر روسیه از ایران نموده بود ، نتوانست در آید اکنون قلیل التیوف مزید نیز فقه و اعتماد از وکیل وکالت انگلیسی برداشته شده حتی ایرانیات وکالت مذکوره را مقاطعه (بویفوتاز) نموده اند ، همچنین معتمد سیاسی فرانسه که او هم از حمایت مصالح رعایا و اتباع خود حاجی مانده است زیرا ایرانیان فرانسه را شریک روسیه میدانند چه روسیه حلیف و هم صدیق فرانسه است حتی امپد فراوان گروه از ایرانیان تنها با آلمانیا بوده چنانچه روزنامه ایرانی فرانسه در طهران چنین می نویسد . آیا از صالح ایرانیان است که آلمانیا را یا دیگر اجانب را در ایران ماعده نمایند ؟ این سؤال را جواب محتمل هیچ گونه منافعه نیست زیرا حاجات مملکت باصلاحات و استعمار ترون وطن و عدم اکثریت و اعتناء که انگلتره با عهداً مینماید همه اینها ایرانیان را حتماً مائل المانیا مینماید ...

تنها ایرانیان قط از روسیا دلتنگ و بان کم میل نیستند بل دیگر اجانب و اروپائیان هم دلتنگی و کم فقه بود نشان بروسیه کتر ایرانیان نیست با ایرانیات در این دو ماطفت شریک هستند مجلس شورای ملی قرض داخلی را در مجلس بدون اطلاع وکالات سیاسی انجام داد بل بنک انگلیسی بدون مشاورت وکالت سیاسی انگلیس باوزارت ابرویه در شأن این قرض افاق نمود ، بناء بر این مال داران انگلیس و دیگر ملل فرنگی معترف باین هستند که افاق انگلیسی و روسی مضر مصالح ایران و صوالح فرنگان است این است که بدون مشاورت یا اخبار سفارات خودشان در ایران به تمسیت امور خودشان می پردازند ، پس از استمرار اینگونه حالات لابد دو چیز حادث خواهدگردید ، اول اینست ایرانیان خواهندتوانست زنجیر روسیه را از گردن خودشان بدر کنند و هم در آن سلطان چیزی رخ نماید که روسی را بگری خودش برگراند ، دوم

اینکه ایران پس از بدل آنهمه همت دوباره با شوب سابق برگشته مسکه آنگاه در آسیا نجد مسئله (مراکش) را خواهیم دید، و لکن در نتیجه این دو مسئله فرق عظیم است چونکه پشت (مراکش) دشت و بیابان و پشت ایران هندوستان است، معلوم است چه بسا مشاكل و شواغل در هندوستان نهفته شده است که انگلتره را با روسیه دیر گاهان تلخکام خواهد داشت.

این است مختصر از اول حوادث ایران که میخواست کم کم رو باصلاح گذاشته و آسوده خاطر در توطئه نظام بکوشد ولی گرفتار مرض خستاق روسی شده که نمیخواهد دی ایران را آسوده گذارده و آرام گیرد و مردم بار سنگینی از تعدی بر سر بار می نهد تا آن را از حرکت باز دارد از قرار اخبار اخیر تشکیل وزارت تازه در طهران شده همه وزراء ضد روسیا بوده و این دلیل مجری افکار در ایران است خداوند حکومت دستوری ایران را در مهیات خویش موفق بدارد و بارزوی خویش برساند

قل از چهره نما

هرج و مرج عهد ناصری

(یا مشروطه عصر احمدی)

(مصلحت نیست که از برده برون افتد راز)
(ورنه در محفل زندان خبری نیست که نیست)
خوانندگان (چهره نما) آگاهند که زمان ناصرالدین شاهرا بجهت نبودن قانون عهد استبداد و سلطنت مطلقه و دولت ظالمانه میگفتند زیرا هرج و مرج ایرانرا فرا گرفته بود هیچکس مالک جان و مال خود نبود ظلم حکام و تعدی اجامر و اشرار ملت بدبخت را بقدر ناپید ای فقر و پریشانی در انداخته بود ظالم را می نواختند، و مظلوم را میگذاختند هر حاکی که قساوت و سفاکیت در آدم کشی و وطن فروشی پیش بود در نزد رب الظلم ناصری پیش بود !!

ناصرالدین شاه هم یکجا غرق شهوترازی و مشوقه بازی و نفس پرستی بود ولی حسب ظاهر با آنهمه بی حسابی برای خزانه دولت و مالیه مملکت و عوایدات کلیه تا جزیه حسابی درکار گذاشته بود و بهوقع خود یا شدت شکنجه و عذاب مطالبه و بازایانت میکرد؟

چنانچه آقا ابراهیم خان ابدار که امین السلطان و پدر میرزا علی اصغر خان امین السلطان بود گاهی بحضور شاه میرسید و چند اشرفی و طبق حبله گذاشته تقدیم میکرد ناصرالدین شاه میگفت چیست میگفت چون دیروز اسبهای اصطبل مبارکه نعلبندی شده این پول نعلهای کهنه است !!! باز میآید، با چند اشرفی شاه میگفت چیست عرض میکرد از زیادی مرکبات بارخانه شیراز است که گنبدیده شده بود، فروختم و نقدی کردم !! ناصرالدین شاه میباید و بر سلطوت و صلابت خود غرور میشد که چگونه از حساب خواست من صدر اعظم مملکت مضطرب است و معنی (حبوقیل ان تحاسبو) را بکار میبرد (و حال آنکه شاه و صدراعظم هر دو دروغ میگفتند) مقصود از این تفصیل با آنکه سلطنت مطلقه و دولت ظالمانه (ناصری) اقتضایش هرج و مرج و بی حسابی بود باز بصورت ظاهر حساب نعلهای پوسیده و میوه های گنبدیده را صدر اعظم بشاه پس میداد !!

حالا که عهد قانون و مشروطه است و برای ادارات دولتی و وزارتخانهها قوانین مرتب و مدون شده (یعنی بحرف حسابی اگر بشود گفت حسابی در کار آمده) کدام يك از وزارتخانهها حساب جمع و خرج خودرا منتشر کردند، کدام يك حساب يك ساله خودرا انتشار دادند؟

امسال یکطرف قلت مخارج سلطنتی، یکجا نبودن مصروفات درباری، یکجا نواقص مواجب شاهزاده ها یکجا علاوه دخل گمرکات که بالغ بر سیصد هزار تومان بوده، یکجا عواید تازه از نمک، و تنباکو و تریاک، و معادن، و بلاد، یکجا قریب دو کروار تومان وجوهات اعانه نقدیه و غیره... مسکه رسیده است، از طرفی کسر بودجه دولتی آنها بالغ بر کروارها !!! لاجول ولا قوة الا بالله؟

یا للجب امسال کدام خرج فوق العاده و فوق الطافه برای دولت ایران پیش آمده کدام قشونی منظم و تحت السلاح آمده، کدام مستشار از خارجه جذب شده، کدام کشت جنگی خریده شده، کدام قلعه و سنگر در حدود و بنادر ساخته شده کدام بیلاق و قشلاق یا سر باز خانه بنا شده، کدام راه آهن کشیده شده، کدام آلات حربیه جدید

از طرف مجلس برای قلع و قمع اشرار و مواد فساد داده میشود

روز سه شنبه تقریباً سه ساعت بفرود مانده در حالیکه عده کثیری از مجامدین بختیاری و وکلای محترم مجلس و غیرها حاضر بودند جناب شهیدای راه آزادی را برداشته بپرستان قاسم آباد واقعه در سر چشمه (که مخصوص دفن آزادی خواهان است) آورده و دفن می سازند.

و از صبح چهارشنبه تا ظهر پنجشنبه در مسجد کبیر سالار مجلس ختم گذاشته شده بود عموم وکلای مجلس و طبقات آزادی خواهان با کمال تأسف در مجلس ختم حاضر شده و مراسم تعزیت و تسلیت را به باز ماندگان شهیدای راه آزادی اظهار میداشتند

اگرچه درین مصیبت عظمی که حقیقتاً بزرگترین لطمه و صدمه بود که باسناد آزادی وارد آمده است عموم آزادی خواهان و وطن پرستان محزون و مضمونند و درین غم شریک معینان ما تا مسافت و تارات خالصانه خود از این واقعه عظمی حضور جناب آقا میرزا محمد علی خان تربیت (وکیل محترم مجلس شورای ملی که برادر بزرگتر مرحوم آقا میرزا محمد علی خان شهید هستند) تقدیم داشته و امیدواریم هرچه زودتر از اثر اقدامات اولیاء امور اشرار و قاتلین که معلوم هستند دستگیر نموده و فوراً به مجازات برسانند

و همچنین به باز ماندگان مرحوم آقا سید عبدالرزاق شهید تحسرات فوق العاده خود را عرض کرده و شرکت خود را در این مصیبت عظمی با کمال اندوه اظهار می داریم.

بوشهر

امروزه جنگ خانگی درایران اثرات مضره و طاقت و خیم دارد هر آنکس که دوستدار دولت و خیر خواه ملت است بروی فرض و متعظم خواهد بود که مناقشات داخلی که از اثر مناقشات رؤساء و خوانین و ایلخانیه است بمواعظ حسنه و تدابیر عاقلانه بصلح و سلم تبدیل نماید و متخاصمین را در حلقه و داد و انحراف داخل و بالفت و رافت و برادری دعوت و در راه اصلاح از نفس و نفیس بپیچ وجه درینغ و خود داری نه نماید و بخرموی

و توب و تفنگ برای اداره حربیه خرید شده ؟ آخر بی حسابی تا کی ؟ حساب درکار نبودن تا چند در مصر اداره (خلاپاک) کفی او هم حساب خود را ماه بماه بذریعه جراید منتشر میسازد !!

اینهمه خونهای بناحق که ریخته شده و میشود نه برای این است که حساب درکار باشد و ملت بدبخت بداند اینکه میدهد و داده چه شده و چه میشود گویا اگر در عهد (ناصری) یکنفر امیرالسلطان درکار بود حالیه همه امین السلطانند ولی حسابی در کارشان نیست

ای وزرای عظام اگر میخواهید نزد مجلس و ملت محبوب و همیشه معبود و سر بلند باشید حساب خود را منتشر سازید و الا محال است ملت بیدار ساکت به نشیند و شارا بحال بچسان بگذارد ؟

نقل از روزنامه شرق

عزای آزادی خواهان

چنانچه در ورده فوق العاده خود مورخه ۴ شنبه ۲۷ رجب انتشار دادیم عصر روز شنبه ۲۵ تقریباً هفت ساعت از ظهر گذشته در حالیکه شهید سعید آقا میرزا علی محمد خان سردار آزادی ما مرحوم منصور آقا سید عبدالرزاق خان از خیابان مشیرالدوله عبور می نمودند چند دسته از اشرار بی وجدان بی مسلك بی شرف که قبل از وقت به تحریک دزدان طریق آزادی خود را برای کشتن و اعدام این مجسمه غیرت و چند نفر دیگر از سران آزادی حاضر کرده بودند ناگهان مصادف با این سردار آزادی و آن مجسمه شرف آقا سید عبدالرزاق خان شده و با دست بی شرفی که سزاوار دزدان آزادی است چندین گلوله خالی کرده و این ناکام و نمرک را بمصیبت آقا سید عبدالرزاق خان بدرجه رفیعه شهادت نائل می سازند

اعلب از طبرین اشرار را دیده و می شناسند حتی خود آقا سید عبدالرزاق خان قبل از مفارقت روح از بدش به پلیس و مفتشین نظمیه اسامی قاتلین را با معرفی کامل اظهار میدارد

ولی اشرار فرار میکنند فردای آنروز بواسطه حدوث این قضیه جانگداز مجلس شورای ملی کابینه وزراء را خواسته و به شرحیکه در ضمن اخبار مجلس نگارش رفته اقتدارات نامه به هیئت وزراء

بر منافع شخصی ترجیح دهد ولی برخلاف مأمول آنچه دیده و شنیده میشود این ایام جوی هستند که مصالح و منافع خود را در بریشانی و اختلاف کله بین ملت قرار داده آبادی خویش را بوبرانی رعایا میخواهند و هزار وسيله و دست آویز طایفه را بر طایفه دیگر شورا دیده در بین هم از طرفین مدخول کرده و هم خرج تراشی فوق العاده بیای دولت محسوب کرده است دو ثلث جنگهای خانگی این دو ساله هم مبنی بر همین قانون و اشاره انامل حکام با احتشام بوده است از جمله شاه کارهای آنها این است که همیشه یکی دو نفر روساء شریر دهانت و بلوکات را بترس از برای دولت و آلت دخل و بروز لیاقت و کفایت خود قرار میدهند يك نفر حکم نظر بمصالح شخصی آنها را میگيرد و سالها محبوس می نماید دیگری بعداوت حکم سابق خان را و ما نموده نانی را دستگیری سازد دو سالست که از طرف حکومت بنادر سوق اردو به تنگستان میشود بجز ضررهای فاحش بدولت و خانه خرابی رعیت يك ذره خیر و صلاحیت نداشته اردو کشی توپ کشی پارسال بسمت تنگستان چه منفعتی بحال دولت یا ملت داشت آیا بنادر تنگستان تخلیه شد آیا مباشرین قاچاق را تپیه و مجازات نمودند آیا مالیات اخذ نمودند؟ نه بخدا قسم بلکه بلی حق السکوت و مال المصالحه گرفته اشرار را مجدداً بر سر کار وا داشتند و همین عمل باعث این شد که رئیس علی دلواری از پارسال تا بحال متجاوز از يك صد هزار تومان بواسطه قاچاق ضرر دولت زد و الحال هم بزور رشوه بتوسط همان کسی که هزار و چهار صد تومان موجب در حق ضابط رودخانه برقرار نمود میخواهد برای خود مواجب و مستمری برقرار نماید امساله باز همین دوز و کلک درکار بود اکنون بیست روز است که حکومت بنادر با چهار صد سرباز و توپچی و پانصد تفنگچی جاه کوتاهی با وزیر خضر تنگستانی مشغول جنگ بوده تا بحال کاری از پیش نه برده و وزیر خضر با دو ثلث تنگستانی ما بمدافعه برخاسته اند از قرار اشتباه از طرف دولت حکم تلگرافی صادر که حکومت بر تنگستانها شلیک توپ نماید احتمال است کار بمصالحه ختم و کارزار بمیامیگیری جوی سادات دشمنی تمام گردد

و در اول هم ممکن بود بین آنها همین تدابیر عملی تصفیه نموده آبروی دولت را نریزند و تنگستانها را جری نمایند

(شیراز)

از قرار اخبار اخیره ایالت فارس را به نواب والا عبرالدوله تقویض نموده اند این برده سیم خیلی فتنک تر خواهد بود باید منتظر اثرات نظاره بر این برده شد

نظر دقت وزارت جلیله بیست و نه

(تلگراف را بمطالب این لایحه)

(متوجه میخواهد)

یکی از ادارات مهمه دولتی اداره تلگراف است و در اهمیت آن همین پس که در جمیع دول متمدنه وزارت مخصوصی دارد در ایران نیز از سابق تلگراف يك اداره موهومی داشته و مانند سایر ادارات دولتی مقشوش و در هم بر هم بوده و مناسه این اداره را البته خود اجزای محترم اداره مرکزی بهتر از ما میداند علاوه کاری بگذشته نداریم و تقویم پارینه را ورق نمیزیم ولی افسوس میخواوریم که در این دوره نجدد که جمیع وزارتخانه ها و ادارات دولتی فی الحمله ترتیب و سروسامانی با ادارات خود داده و حداً در صدد اصلاح و ترقی اداره خود برآمده اند جبهه چیست که وزارت جلیله تلگراف بحالت توقف بستانده تاکنون اقدامی در اصلاح مفاسد و تطهیر اداره خود از لوث وجود مأمورین خاین و وظیفه شناس نموده بلکه در بعضی اداره تلگراف از سابق مقشوشتر شده مثلاً سرحد مهمی مانند محمره میتوان گفت تلگرافی ندارد بدین معنی که تلگرافخانه محمره تقریباً یکسال است بیست يك جوان کودن و بکدختر جارده ساله است که الآن چند ماه است بمیرزا احد نام منشی قونسلگری اسکلیس در محمره شوهر کرده جوان موصوف علی محمد خان تقریباً بیست سال کم و بیش دارد و داماد احمدخان متوقاً مأمور سابق تلگرافخانه محمره است سواد صحیحی دارد و در هیچ جا خدمت نکرده و وظیفه مأموریت را نمیداند فقط در نزد عموی خود قدری عشق تلگراف کرده این جوان کم تجربه خود را دست نشاندۀ متفردین میداند هر کسی تلگرافی قبل از بخاره به متفردین نشانی

میدهد اگر دیدند بیواتیکشان برنمیخورد اجازه باو داده مخایره میکنند و الا بولما را گرفته و تلگراف را جزء اوراق عاطله می اندازد یا آنکه پس از مدتی آرا صاحبش پس میدهد و عذره های حتی می آورد که تلگرافی فلابجا تلگراف را قبول نکرده رد نمود این جوان خائن این معامله را نه تنها با مردم میکند بلکه با مأمورین محترم دولت هم این کار را میکند و از جمله وظیفه شناسی او بتازگی این است که جماعتی هندی از مستخدمین اداره نطف با مأمورین انگلیس آن اداره نزاعی کرده دست از کار کشیدند و در تلگرافخانه محرم آمده ~~سکه~~ (بیجرکاکس) جنرال قونسول انگلیس منیم بو شهر تلگرافاً شکایت کنند این مأمور وظیفه شناس تلگراف آنها را نگرفت و بایشان جواب داد که بروید از قونسلگری انگلیس نوشته بیاورید تا تلگراف شما را مخایره کم (جون قونسول حالیه انگلیس در محرم ~~سکه~~ وکیل موقی است خود از اجزای اداره نطف بوده و هندیا گویا احساس طرفداری از او میکردند) و حال آنکه اگر این هندیا در خود مالک انگلیس بر علیه هر يك از مأمورین دولتی میخواستند شکایت کنند مأمورین تلگرافخانه بحسب وظیفه تلگراف آنها را قبول و مخایره میکردند این است محلی از شرح حال این جوان که تلگرافخانه را که مأمور اسرار دولت و ملت است بازیچه تصور ~~سکرده~~ اما دخترک تازه عروس که عطیة نام دارد دختر احمد خاش تلگرافی متوفی است پدرش مشق تلگراف باو یاد میداد پس از فوت پدرش باتفاق آنجوان معلوم الحال متصدی امور تلگرافخانه شده چند ماه قبل بمیرزا احمد منشی قونسلگری انگلیس در محرم شوهر کرده و شوهرش که منشی قونسلگری انگلیس است در تلگرافخانه آمده منزل کرده است هر تلگرافی که بدست این دخترک میرسد باید اول ~~سکو~~بیه آنها بشوهر خود بدهد و شوهر او هم محض خود شیرینی و حسن خدمت زود آن کوییه را بقونسلگری میبرد نشان میدهد خورده بنیان میداند که عذورات اینکار در سرحدی ~~سکه~~ در معرض نفوذ خارجه واقع شده تا چه اندازه است چیک این دخترک چه میداند ملت کیست و دولت چیست و وظیفه یعنی چه تمام همتش مصروف این

است که بهر راهی است دل شوهر خود را بدست بیاورد در واقع تلگرافی محرم زن منشی قونسلگری انگلیس است و در سرحد مهی مانند محرم محرم اسرار دولت و ملت اینهاست و ای بحال دولتی که مأمورین آن از این نمونه باشند از وزارت جلیله تلگراف استدعا میکند که بمطالب این معروضات خیرخواهانه درست دقت فرموده و سریعاً يك مأمور وطنخواه درستکاری برای تلگرافخانه محرم معین فرمایند و این دو تا بچه را از بار مسئولیت این وظیفه مهم سبکدوش نمایند و ملاحظه نزاکت وقت و اهمیت سرحدات را بکنند حالا که نمیتوانید در سرحدات جلوگیری از انتریک و دسائس خارجی نماید اقلاً بواسطه اینکه مأمورین جاهل بحسب میدان انتریک خارجه را وسعت بدهند و اگر در خدمت وطن تا ایندرجه هم کاری از شما ساخته نشود

عبار السبیل

مشهد

از اخبار تازه اینکه ~~سک~~بیب مدرسه اکبر شباه بجای موسوم بمدرسه آذربایجان در این روزها مفتوح و جنم و دل وطنخواهان را روشن نمود انجمن بلدی که متصل شده بود هنوز بحال انفصال باقی است و احدی اقدام با انتخاب و کلاه نموده است مدرسه ملی را که سابقاً عرض نموده ام روز بروز از همت وطنخواهان رونق در کار است و عنقریب یکی از مدارس عالیة قانونی ایران خواهد بود اکبر بلند دست نیز مطلق الضمان کافی السابق بحال خودش است در این روزها مخالفت عظیم وجدی مابین نجد السلطنه وزیر عالیة خراسان با کابینه مالبه بمیان آمد و مشار الیه بعد از جد و جهد زیاد نتوانست حرف های بیقانون خود را پیشرفت دهد شجاع الدوله حکمران قوچان که بواسطه چهار هزار تومان در نظیبه توقیف بود و باز توقیف است مشول نخواهد بود، چند روز قبل جبار بیگ نامی که یکی از اشرا نمره اول و از کاشندگان ملکالتجار است از مشهد بطرف قوچان برای اجرای يك مأموریت سوه میرود در بین راه یک نفر ارمی جوان را بطمع اسب و تفنگ و پول مقتول میسازد و بعد مأمور رفته و مشارالیه را جلب بمشهد می نمایند قونسل روس که در اینگونه مواقع مادر مهربان اشراست خود را عنان انداخته و اظهار ~~سکه~~

قاتل از اتباع دولت روس است بهرحال جلب بکار گذاری شده و در تحت استتطاق است تا حال چیزی از استتطاق وی معلوم نشده ~~حک~~ بجه مأموریت فوجیان میرفته است، دستورالعمل پرداختن مواجب آستانه مقدسه تا حال از طهران نرسیده و مفت خوران با چهار دست و پا مشغول جاییدن آستانه بوده و هستند، قزاقان روس اگر زیاد نشده باشند کم نیستند، يك نفر مأمور اداره تلافی از طهران فرستاده شد و عمل تریاک را از اداره نظمیة مجزی نمود و حال فروختن تریاک بعد از ماندول کردن آزاد است، محمدید نمک نیز فعلاً موقوف گردید، چند روز قبل از این مجلس سلامی با حضور رجال واعیان و رؤسای ادارات و مأمورین تشکیل و الحاق بهترین مجالس سلام های آستانه مقدسه بود، آقا علی آقای رئیس امنیة خراسان که برای ترتیب اداره خود بطهران رفته بود هنوز مراجعت نموده است محمدعلی گنابادیرا که سابق مشروحاً احوال ویرا نوشته ام باز در حدود تربت و نیشابور مشغول سرقت است، يك لایحه که مبنی بر مواعظ حسنه بود دو روز قبل از طرف آقای صدرالمالی رئیس عدلیه قاینات و سیستان در مشهد اشاعت یافت و این اولین لایحه است که یکی از مأمورین بیغرض ما در نهایت اشتیاق توزیع فرموده البته برای مقیاس رفتار و سایرین درج خواهید فرمود، چندی قبل ~~حک~~ از يك مفازه ارمنی تپه ایران شبانه بانصد توماش جنس سرقت کرده بودند تا حال مکوت عنه مانده و کسی بفریاد آن بیچاره نرسد، انجمن ایالتی دائر و روزهای تأسیس خلاصه مذاکرات یوم قبل را خوانده بعد از اندکی تشریح جلسه خاتمه می پذیرد، اداره جلیله نظمیة کمال نظم و ترتیب را دارد و نسبت بسایر ادارات چندین درجه پیش است چندی قبل آیه الله زاده خراسانی برای اتحاد رؤسای ادارات و تنظیم و تنسیق آن تمام رؤسا را بمنزل خود شان دعوت فرموده و بعد از نصایح حسنه و مواعظ مشروعه که درخور اسلام و مسلمانان بوده است قرار میگذازند که هفته دو روز در يك مرکز معینی رؤساء جمع شده و در اصلاح اداره خود سخن رانند در واقع این اجلاس که از نتایج خیالات صحیبه آیه الله زاده است نتایج خوب تواند

داد و بپیماری از حرکات سخیفه بعضی ما را جلوگیری خواهد نمود، امنه و اجناس و میوهجات در نهایت ارزانی و کساد است ولی بواسطه اقدامات سریمانا رئیس اداره بلدیہ بخ ابدأ پیدا نمی شود و اگر هم پیدا بشود در نهایت گرانی است، از شایعات خراسان اینکه میگویند بواسطه خلع اسلحه جمعی از مجاهدین و غیره در طهران مقتول شده اند حال که این مسئله خلع اسلحه و قتل چندین نفس را در طهران می بینیم قیمت وجود و اقدامات منمد الوزاره رئیس اداره نظمیة مشهد است میدایم ~~حک~~ این مسئله خلع اسلحه را در چهار ماه قبل در مشهد و اطراف آن از رعایای خارجه و داخله بعمل آوردند بی آنکه احدی را خون از دماغ بیاید و یا شکایت داشته باشد با اینکه اشرار بیک اسلحه داشتند برای تیرد حاضر تر از احرار طهران بودند میگویند رئیس عدلیه نیشابور بعد از آنهمه خراب کاریها خود مستعفی شده و شبانه بيك محل مجهولی فرار نموده است حاجی فیض الله خان نامی خیاط که در انهار چندان اهمیت نداشت در این روزها شرکعی ترتیب داده و چهار دستگا کارخانه مرتب که عبارت از کارخانه روغن گیری و کارخانه صابون و چراغ برق و کارخانه آرد است وارد نموده و مشغول تریه جا و مکان آنهاست و میباید عنقریب همه آنها بکار افتاده و مبالغی وطن را نفع میبخشد ایکاش که متولین و تجار و رجال مشهد نیز که چندین برابر تمول این خیاط را دارند قاسمی باین مرد نموده و برای نفع خودشان از آوردن کارخانه های نخ رسی و کاغذ سازی و کارخانه بنه و غیره مضایقه فرمایند، مدرسه آستانه مقدسه نیز بهمت آقای صدرالمالی متولی باشی در کمال نظم و ترتیب است امور آستانه هم مثل سابق است و نازگی ندارد و جز اینکه در این ایام ماشاء الله از رشت و مازندران و روسیه و عربستان و سایر ولایات ایران بکوری جنم منکرین خاندان آل محمد ص هزارها زوار مشرف شده بعد از عتبه بوسی و چند روز توقف مرخص میشوند چند روز قبل جشن تولد حضرت حجت زمان مهدی قائم عیج صلوات الله علیه منعقد و در نهایت شکوه خاتمه پذیرفت، مدارس خیریة سعادت نیز که سابقاً شرحش را عرض نموده ام و چندی بود که رشت اهداء

گمرک ماهیانه و اطاعت مدرسه را که از طرف اداره گمرک داده میشود توقیف نموده بود حال میدهده و اینوجه فعلاً بالغ بر هفتاد تومان ماهانه میباشد و مدارس نیز هر روز در ترقی است ، چندی قبل یعنی ایام محرم که نزاع مابین شیعه و سنی در بخارا ابداخته بودند ، هرچه که از رعایای خارجه مقتول شد خون بها گرفتند و هرچه که از ایرانیان مقتول گردید مسکوت عنه مانده تا حال که دیگر دارد فراموش میشود ، جریده خورشید که سابقاً در مطبعه سنگی چاپ میشد چندی است که در مطبعه سربی با یک اسلوبی خوب چاپ و افق تاریک معارف مشهد را روشن ساخته ، مدرسه نظامی ابتدائی که بهمت رئیس قشون باز شده بود روز بروز ترقی میپذیرد ، برای سرباز های مشهد بتازگی یکنوع لباس زرد خوب انتخاب نموده و دوخته پوشانده اند اگرچه سنه ترتیب این لباس از مدتی بود که مذاکره میشد که تا حال انجام گرفته است ولی همین فقره ما را امیدواری میدهد که عنقریب خطه خراسان که وطن نادو دوران و همواره اقلاده هزار قشون داشت دارای هزار قشون پیاده نظام و سواره نظام خواهد بود ، هرروزه در هنگام عصر در دو محل یکی اداره نظمی و یکی ارك دولت یکدسته موزیکانی مرتب حاضر شده و موزیک مینوازند .

الملك يتقى مع الكفر ولا يتقى مع الظلم

بصوم برادران و خواهران سکنه خطه قائنات و سیستان ، اخطار و اعلان مینمائیم ، که بتفضلات آلهی و توجهات کامله حضرت امام عصر حجة ابن الحسن صلوات الله علیه و علی آله اجمعین ، و بمساعی حمیده مشوایان دین مبین حضرت سید المرسلین (ص) اعنی جنابان آیتین آخوند ملا محمد کاظم خراسانی و آقا شیخ عبدالله مازندرانی ، متع الله المسلمین بطول بقائهما ، و بقوت بازوی جوانان با غیرت و حیث آذربایجان و گیلان و سایر ممالک ایران ، اعنی حافظان قرآن ، اساس و بنیان ظلم و جور و اعتساف بکلی خراب و منهدم گردید ، و سلطنت مستبده مطلقه جائزه جابر ، که صد ها سال خون ملت مظلوم ایران را با تکیه متوجه بقوه بازوی شرارت و شیطارت ، چون منتهی به حق بینوایان نموده ، کارهای قتل و کشتن و آزار رساندن و بلایان بطریق و بدرفتاری با ائمه حقیق و احتیاج متوجه شده ،

بودند ، بکمرته از نخت و تاج مطلع و ریخته آنها را قلع و قمع کردند ، و دولت ایران را مجدداً دولت اسلامی و مشروطه نموده و مجدد آلهی و کله مبارکه اسلامی بساطی از عدل و داد و کانی رفیع از مواسات و مواخات بجای آن گسترده و برافراختند ، پس ای برادران عزیز من ، بدانید و آگاه باشید و از خواب غفلت بیدار شوید ، و بعد از قرنها مسقی هشیار گردید ، و بدانید که از امروز بعد ، ملت ایران هموماً ، و شاها سکنه خطه قائنات و سیستان خصوصاً ، در زیر سایه عدل و انصاف غنوده ، و زندگی خواهید فرمود ، و برای اینکه شما برادران قائنات و سیستان و سایر خطه خراسان از حقیقت و معنای دولت عاده مشروطه مطلع شوید ، بلسان عامیانه تشریح میکنم ، و شما را آگاه میسازم ، مقصود از دولت عاده مشروطه اجرای احکام قرآن و حفظ بیضه اسلام است ، و نیز واضح تر بگوئیم که دولت عاده مشروطه یعنی زیر بار ظلم حکام جابر و جائز ترفتن ، و باختیار خود بکس و تجارت و زراعت مشغول شدت ، و از روی عدالت و انصاف حقوق مشروع دولت متبوعه خود را برداختن این بود معنی مشروطه و عدالت ، پس بدانید و آگاه باشید که این دولت جدید عادل ، برای راحت و آسایش شما سکنه قائنات و سیستان عدالتخانه باین حدود فرستاده که از مظلومین و ملسوفین و بیچارگان و ستمدیدگان داد خواهی شود ، و از ظلم و اجحاف متصدیان جلو گیری نماید ، و نگذارد ظالمی بمظلومی ظلم کند ، و یا از روی تمدی و شهوت رانی صدمه و اذیتی بضعفا و فقرا رساند ، این عدالتخانه همه وقت حاضر خواهد بود ، که با کمال خلوص عقیدت و نیت صان احقاق حق هر مظلومی را بنماید ، پس هرگاه کسی از شما ملکی و یا مالی بظلم و تمدی برده و خورده ، و یا بقهر و غلبه غصب و تصرف نموده این عدالتخانه با کمال افتخار حاضر است که حقوق شما را از یک تومان الی صد هزار تومان بدون ملاحظه از عمر و زید بحکم قانون عدل گرفته و برساند ، و هم چنین بدعتهای منحوسه و رسومات ، ضربه که مخالف عالم انسانیت و مخالف قواعد و قوانین اسلامی است از میان شما ها بکلی متروک و منسوخ نماید ، و با رعایت و رعایای عدل و انصاف و بیاض دولت شما ، با کمال افتخار و کمال کمالیت

ای برادران عزیز چنانکه گفتم از این بعد هرکس در مال و عیال و منال و زراعت و تجارت خود آزاد و مختار است همان طور هم با کمال احترام بشما ما میگویم که اگر خدای مخواست از او امر و نواهی مقدسه این دولت عادلانه مشروطه، که جوهری است از حقیقت دین محمدی (صلی الله علیه و آله) تخلی کند و مخالفت ورزد البته در شماره متهمین محسوب خواهد بود. پس هرگاه کسی از شماها به قدر سر موتی از جاده شرع مطهر تجاوز نماید و یا حق کسی را بنصیبت برد و مظلومی اذیت کند و یا شرارت نماید و برض و ناموس کسی جسارت ورزد و یا ضعیف بیچاره را بر مجاد این عدالتخانه بحکم قانون ظالم و غاصب و جابر را بمجازات و کینتر اعمال میرساند، پس ای برادران و خواهران من سی کنید که از جاده شرع انور تخلی ننمایید و پیوسته خدا را حاضر و ناظر بدانید دست برادری و اتحاد بیکدیگر بدهید فریب اجانب را نخورید و بدانید که شربت آب است از زهر هلاهل است این بود ابلاغت این خادم وطن که از طرف ولی نعمت معظم خودم اعلیحضرت شاهنشاه سلطان احمد شاه قاجار خدایه ملکه و حضرت اقدس نایب السلطنه دامت شوکته و نمایندگان مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه و وزرای دربار مدلت دناشما ما رسائیدم (فدائی وطن سید حسین) (صدرالحالی رئیس عدایه کل قاضیات و سیتان)

تسلکرافات روتر راجع بایران (۷ سنبر)

مخبر روتر از طهران خبر میدهد که مجلس در جلب یک مستشار ایتلیائی و یک فرانسوی برای اصلاح ژاندارمری و یک فرانسوی و یک نفر مصری مسلمان برای عدلیه رأی داد نظر بر اینکه شاید در جلب مستشارهای خارجی از دول بزرگ دولتهای روس و انگلیس عذر پیش کنند این مسئله فیصل شده معلوم میشود

جبل المنین

این تلگراف روتر مصدق نگارشات طمس است که بیست و یکم قبل نگاشته بود و چون قلم طمس با قدم سیاسیون انگلیس در مواد خارجه توأم برداشته میشود معلوم بود که وزارت خارجه انگلستان باالاصاله یا ایتبع روسیایت مایل بجلب مستشارهای خارجی از دول بزرگ نمی باشند ما نمی توانیم صحت این خبر را کاملاً تصدیق نمائیم ولی بدون حرف این زمزمه در بین روس و انگلیس شده و این گفتاروات مبنی بر همان است بحالا باید دانست که خیال همایگان در حده

ایران چیست؟ با اینکه بالاخر وقت که ایران مصمم جلب مستشار خارجی شد تمجید نموده ایرانیان را تشویق کردند ولی چون بای عملیات درمیان آمد شروع به انداختن طایق جلو ایرانیان شد اگر این خبر را تصدیق کنیم باید گفت (درمیان قعر دریا نخته بندم کرده) باز میگوئی که دامن بر مکن هوشیار باش (از یک طرف دولتهای همسایه از عدم انتظام ایران شاک و بدان بهانه قشون مسلح خود را در وطن عزیز ما داخل نموده میگویند هر وقت امنیت قائم شود خارج خواهیم شد ولی همین که ایرانیان در صدد امنیت می شوند هزار گونه طایق در جلو شان میگذارند گویا دولتهای همسایه به ما می فهمانند که امنیت و اصلاح در ایران لازم است مشروط بر اینکه دست ما بشود نهایت چون ایرانیان از ما ریمده اند باید بدست کسانی بشود که در باطن ما معین کرده باشند مانند بلجیکیان که کاملاً تحت نفوذ ما میباشند بصارت ساده تر میفرمایند که همان اصولی را که در مستعمرات خودمان اختیار نموده ایم باید در منطقه نفوذ خودمان در ایران اجرا دارم و اختیاراتش را میکنند که ایرانیان اگر دوستی ما را طلبند ما باید ترک استقلال گشته زماناً اگر مدعی استقلال باشند حرفی نداریم انتشار این خبر جمیع تجاوزات دوساله همایگان را در حق آنان تصدیق مینماید و برعلیه علت عدم ترقی ایران و باعث طول انقلاب را که این دایه گان مهربان تر از مادر میباشند آشکارا میسازد ولی این مراتب بحال ایران مفید هست؟ کی؟ وقتی که ایرانیان جداً ترک مرعوبیت گشته برای حفظ استقلال خود بکوشند و بیک خواهش سفارتین یا تشرهای تو نهی آناست سر تسلیم خم نه نموده و چشم از استقلال ابدی خود نه پوشند و تا هر اندازه که حفظ نزاکت دوستی همایگان بشود همین عیاقات در جلو شان خواهد آمد ایرانیان بدانند که عدم جلب مستشار خارجی نسبت به جلب مستشاری که بصوابید همایگان باشد بهتر است چه مستشاری که همایگان با بدعهد تالی (روز) و (لیاکوف) خواهد بود ایجا موقع بروز جوهر وزرای جدیداست که آیا مانند اسلاف خود موعوب وانگشتر گردان همایگان خواهند بود؟ و یا در راه استقلال وطن مجاهدات جدی خواهند نمود و این نکته مخفی نماید که یکی از حلات شدید سیاسی به استقلال ایران همین دخالت همایگان در جرح و تعدیل مستشاراست و ایجا موقع ایست که اگر وزرای ما ترک مرعوبیت گشته و واقف بمواقف عصر بوده در رد این جمله بجای همایگان هیئت سیاسی اروپا را بر بیجان آورند هر چه

تذکرات

(۳ رمضان - ۸ ستمبر)

§ مخبر (روز) از (ستبری) خبر می دهد که جشن پنجاه ساله آزادی (جیل اسود) اختتام پذیرفت پادشاه و خانواده سلطنت در جهاز زره پوش روس برای وداع (انتل واری) رفته اند پس از وداع دستة محری روس با (براس نیکولس) حرکت خواهد نمود

(۴ رمضان - ۹ ستمبر)

§ مخبر (روتر) از (ماتا) خبر میدهد که (سرآئین هملتن) اواخر ماه ستمبر وارد و در بحر روم تا زمانی دراز توقف خواهد داشت

§ جبهه اعلان تخت نشینی اعلیحضرت جارج پادشاه اسکستان سنارت فوق العاده بریاست (لارد روزبری) روانه (ویانه) گردید

§ (ارل آف پلانی مونه) در جراند عقیده خود را چنین ظاهر می نماید که بیادگار (ادورد هتم) عمارت بلور (کرستل) را به (۷۵۰۰۰۰) لیرا ملت باید بخرد § (اشیکوما) کروزار ژاپونی وارد بندر سعید شد

(۶ رمضان - ۱۱ ستمبر)

§ روزنامه (تین) اسلامبول در ضمن اظهار خیالات وزیر مالیه مینویسد که مخاره استقراض فرانسه یکدفعه مسدود گردید زیرا که دولت عثمانی این شرط را هرگز قبول نتواند نمود که ازان دولتی که قرض شود از همان جا آلات ناریه خرید شود § (ویقی زولس) از ریاست حکومت کربت مسغنی گردید

§ از سفارت فوق العاده (لارد روزبری) روز نامه جات ویانه خوشنود و می نویسند که اعلیحضرت خارج مانند (ملکه وکتوریا و ادورد هتم) طالب اتحاد با آستریا میباشد

آنهایکه بمعیت شهزاده ولیعهد آلمان در سیاحت شرق شرکت خواهند نمود اسامی شان در (ران) اشاعه یافت منجمله همراهیان (جنرل وون لشمبک) و شش نفر دیگر اند

§ مخبر (روتر) از (پترسبرگ) خبر میدهد در هفته گذشته در ۲۹ اضلاع روسیه (۶۲۵۰) نفر بمرض وبا گرفتار و (۲۹۰۰) هلاک شدند

(۷ رمضان - ۱۲ ستمبر)

§ وقایع نگار (طمس) از (پترسبرگ) می نویسد که اعلائی رسمی مرض وبا خیلی مدعش است ، در مملکت روس تا کنون (۱۵۴۴۵) نفر بمرض وبا مبتلا و (۷۴۷۲۳) نفر هلاک شده اند

§ مخبر (روتر) از پکن خبر میدهد انعقاد کانفرانس

(هیک) دوباره تویاک یک سال تعویق اقتضای § امپراطور (آستریا) شکایت فوق العاده (لارد روزبری) را با احترامات فایده استقبال فرموده و سپس در قیامگاه لارد موصوف در (هوفبرگ) بازدید نمود و ۳ روز سفارت مذکور در آنجا توقف خواهد نمود

(۸ رمضان - ۱۳ ستمبر)

§ دولت انگلیس در اراز دوستی از ادعای نقصانی حریق نایشگاه (بروکسل) دست کشید § روزنامه جات (آستریا) از سفارت فوق العاده (لارد روزبری) اظهار مسرت می نمایند و عقیده شان اینست که از الحاق (بوسینیا) کدورتی که دولت انگلیس برداشته بود اکنون رفع گردید و اتحاد دیرینه از نو برقرار آمد

§ در (ویانه) مجدد چند نفر بمرض وبا مبتلا ، در (سکنی) هفته گذشته ۸ نفر بهمین مرض و در (هنگری) ضمن دو هفته گذشته ۱۱ نفر هلاک شدند

(۹ رمضان - ۱۴ ستمبر)

§ مخبر (روتر) از (پترسبرگ) خبر میدهد که در جنوب (منچوریا) معاهده راه آهن (کرین جنگجون) در باره عملیات آب در (گونگجانکتی) امضا یافت

§ روزنامه (دیلی اکپرس در ویلن) می نویسد که اعلیحضرت پادشاه و ملکه اسکستان بعد از مراسم تخت نشینی بسیاحت (آیراند) خواهندرفت § مخبر (روتر) از (اتن) خبر میدهد که در افتتاح مجلس ملی اعلیحضرت پادشاه یونان ضمن نطق خود اظهار داشت از اینکه با کمال امنیت عمل انتخاب سرآمد بسیار خوشوقتم و نیز مسرورم که ملت این بزرگترین حقوق سیاسی را با نهایت خوبی محفوظ داشت ، و من امیدوارم که این (مجلس) مشکلات را حل کرده شالوده دولت را مستحکم سازد § دول محافظ (کربت) به دولت (یونان) صلاح داده اند که در مجلس ملی اقداماتی نباید بشود که مورت اشتغال دولت عثمانی گردد

§ بموجب تذکرات (بیکن) سفارت روس برتست نموده که دولت چین چرا زوار روسیه را منع از دخول به تبت نموده ، دولت چین جواب داده که مخالفت فقط برای سیاحتان است نه زوار ، زوار از هر ملت بدون هیچ مانع داخل تبت میتوانند شد

§ اروپائیان از شیوع وبا خیلی پریشان اند

(خبر آئین کلکتہ) و بلا حق اخذ ابرہہ بدون قبضہ نداشتند و تاوان کما (قیمت اشتراک)

(سالانہ — شش ماہ)

(هند و برمه)

(۱۲ روپیہ — ۷ روپیہ)

(ایران و افغانستان)

(۴۰ قرآن — ۲۰ قرآن)

(عمانی و مصر)

(۵ مجیدی — ۳ مجیدی)

(اروپا و چین)

(۳۰ فرانک — ۱۶ فرانک)

(مذہب کلکتہ) (مذہب کلکتہ) (مذہب کلکتہ)

(مذہب کلکتہ) (مذہب کلکتہ) (مذہب کلکتہ)

HABIBUL MAJLIS OFFICE
4, MEDICAL COLLEGE DISTRICT
CALCUTTA.

(کلیہ امور ادارہ با)

(مدیر کل مؤید الاسلام است)

(هر دو شنبه طبع)

(و سه شنبه توزیع میشود)

(در دو شنبه)

(۲۱ رمضان ۱۳۲۸ هجری)

الْمَشَارِقُ

سنة ۱۳۱۱

آقا سید عبد الله مجتهد بہبہائی رحمت الله علیہ



بلند سازندہ پریق مشروطیت . پیش قدم روحانیین در حریق آزادی، مقوی اسلام محبی ایران
حضرت مستطاب آية الله في الارضين حجت الاسلام والمسلمين خلد آشیان
خدمات این عالم ربانی در طریق اسلام خواهی و حفظ بیضه مقدس اسلام پیش از آن است که درین
مختصر گنجد و صدماتیکه در راه مشروطیت باین وجود مقدس رسید بالاتر از آن است که به تخریب آید مسلم
دانایان و متفق علیہ واقفان است که اگر نبود همراهی این سید نبیل و استقامت این عالم جلیل نہ ملت را
یارای هیجان برخلاف استبداد رخ می نمود و نہ مظنرالذین شاه مرحوم باین سهولت و آسانی سر تسلیم
در خواہشات ملت خم میکرد، هیجان طبقه روحانی و خوف و بیم محمد علی میرزا ازین وجود محترم بود
ہائ قسمی کہ پیش از کلیہ نفوس ایرایہ در طریق مشروطیت اسلامی استقامت ورزید بیشتر از جمیع
مشروطہ خواہان ہم صدمہ و اذیت دید تا اینکه عاقبت باشارات سری روسیان (محض انداختن انقلاب و
اختلاف در ملت و بہاہ بدست آوردن) بدرجہ شہادت نائل آمد

آقا سید عبد الله اول عالم با سیاست ایران و در ہیبت و ہیمنہ و جرئت و شہامت یکہ تاز عصر
خویش بود ایرانیان راست کہ تا بقای استقلال خود خویش را و همین امتنان این عالم ربانی دانستہ این
خاندان اصیل و روحانی نبیل را با احترامات خاصہ مخصوص دارند و از درون بیان و بن دندان بگویند

تذکرات و تو راجع به ایران

(۱۷ رمضان مطابق ۲۳ سپتمبر)

نائب السلطنه ایران وداع زندگانی فرمود
ایضا بواسطه رحلت نائب السلطنه اشکالات سیاسی پیش
آمده چه سردار اسعد خواهشمند است که بعهده
نائب السلطنه نائل آمده با حکمت عملی سلطنت را
از خاندان قاجاریه تبدیل به بختیاری دهد گویا کابینه
وزرا با امضای مجلس موقتاً حضرت اشرف آقای
مستوفی الممالک رئیس الوزراء را به نیابت سلطنت منتخب نمایند
حبل المتین

بعقیده ما مخبر (روتر) از روی تصور و توهم
سخن رانده نه از روی ايقان و اطلاع چه رحلت
نائب السلطنه هیچ مشکل سیاسی برای ایران پیش نتواند
آورد زیرا که امروزه قوت مجلس و وزرا فوق
حیج قوای داخلی شناخته آمده است. چنانچه در
مسئله خلع صلاح مشاهده آمد و کان می رود که هیچ
عاقلی بعد از ملاحظه آن وقعه برخلاف مرضی مجلس
و وزرا برود. و تصور می کنیم درین موقع نازک
اختلافی بین وزرا ما و کلا پیش آید و صورتیکه کابینه
و مجلس اتفاق نموده تمین نائب السلطنه فرمایند جای
اختلاف برای احدی باقی نتواند ماند چه البته
مناسبات ایرانی و مقتضیات سیاسی و موقع خارج و
داخل را دیده تعیین نائب السلطنه خواهند فرمود

اما اینکه هوسناکی سردار اسعد را برای نائب السلطنه کی
نگاشته که تا بدین وسیله سلطنت را از قاجاریه تبدیل
به بختیاری نماید نزد ما مقروءت بصواب نیست
نه اینکه ما در سردار اسعد معتقد بصفات ادهمی
هستیم که مایل بتاج و تخت نیست بلکه عقیده مان
این است که سردار اسعد عاقل و گرد هوسهای
بی هووه نمیگردد و نام بلند تاریخی خود را به پستی و
بدنامی سمرعی کند چه تجربه از سایرین حاصل
نموده امروز در میان سرداران فاتح کسیکه لنگه
خود خواهی روی خویش نگذارد همانا سردار اسعد
است و امیدواریم این سردار جلیل القدر تا ابد نام
خویش را بخود خواهی سمر نه نماید

بعقیده ما امروزه شایسته مقام نائب السلطنه کی و
مناسب ترین رجال بر حسب مقتضیات کنونی همانا
در درجه اول حضرت اشرف آقای ناصر المملک و
در مرتبه ثانی حضرت اشرف آقای مستوفی الممالک
رئیس الوزراء کنون میباشند -

این نکته را هم ناگفته نمیگذاریم که ارباب
پلتنیک چون درجه تدبر و تعقل ما ایرانیان را در
مسائل سیاسی دانسته اند بمجردیکه میخواهند بکنفر از

خدام حقیقی وطن را مغفور ایرانیان نمایند این گونه
تذکرات غرض آمیز که ناشی بر خود خواهر
انت اشاعه میدهند و بمجرد اشاعه یک چنین تذکرات
ما هم کور کورانه یک کلاغ را جهل کلاغ کرده
فرشته سیرتان را دیوسیرت جلوه میدهم، بهمین اصول
سپهدار را از کار انداختند امروز هم باین هیاهو
ها میخواهند سردار اسعد را هم از نظر ملت
پندازند چنانچه برخی جراند چین زمزمه آغازیده
اند و خوف تبدیل سلطنت و انقلاب امروز
پیش از پیش در ایران می رود چه تمام قوا نابود
شده قوای سردار اسعد و بختیاری باقی است و
اگر بختیاران وقتی سوء قصد که طیبی است نمایند
چه چیز تبدیل سلطنت را بخاندان بختیاری مانع
تواند آمد زیرا که نه دولت دارای قوت است نه
رقیبی برای بختیاران باقی مانده و نیز همراه سایی اند
که رقبای ایلاتی خودشان را هم مخدول سازند و
همین مسئله ممکن است روزی ایران را بخطر
عظیمه دچار نماید و بالاصاله این خود یک از علت
های ناگتنی قیام قشون روس تواند شد

جراند روس و انگلیس این گونه بیانات را
در اخراج سردار و سالار از آذربایجان و در ماده
سپهدار و غیره و غیره سروده خیلی مارا سنگ روی
میخ ساخته و بدست خود تیشه بر ریشه اقتدار خود زده
و ذره هم از نجارزات روس و انگلیس نکاسته و
و قدمیم قشون خارجه عقب رفته اند حالا سایی اند
که این قوه را هم که باقی مانده مهدم دارد

ما تصدیق داریم که سلطنت شوروی ملی و قوی
استقامت حاصل تواند نمود که اقتدارات شخصی
مرتفع گردد ولی این امر در صورتی مفید بحال
ایران تواند بود که دولت دارای یک اقتدار
بالاصاله باشد و تاوقتی که دولت دارای اقتدار نگردد
این گونه اقتدارات احدی برای صیانت مملکت لازم
است پس کابینه وزرا راست که هر قدر زود تر تمکن
شود دولت را دارای یک اقتدار بالاصاله فرمایند
و مستغنی از قدرت اشخاص که هماره استقلال مشروطیت
را در محاصره نگاه نواید داشت و تعقی سازند
و نیز انشاء وطن محبوب خود را توصیه می نمایم
که ربهان پلتنیک همسایگان بجهاد رود و
سنگ روی میخ این و آن نگرند و هماره درخیز
و شرحود تعقل نمایند و ما درین موضوع اهم بحث
خودمان را باینده میگذاریم و باز مکرر میکنیم که
امروزه بمناسبت وقت بهترین نائب السلطنه برای ایران
آقای ناصر المملک و آقای مستوفی الممالک اند

والاحضرت اشرف امین علی رضاخان عبدالملك نایب السلطنه دوتلیه ایران رحمة الله علیه



وطن خواهران را بفرید و بگویم
انخاب شد بایک تشکر از مجلس

تشریح از وگلا در انخاب نایب السلطنه
بموجب تفکرات طهران ناصر الملك به بابت سلطنت

شیخ الرجال ابوالاحرار خوشنام ترین سلسله قاجار حامی الوطن و خادم المشروطیه
این راد مرد برک از فامیل حلیل قاجار قوالو محل امیر موسی خان بن امیر سلیمان از شی اعمام آقا
محمدخان سر سلسله سلاطین آل قاجار و نایب رهتاد مراحل زندگانی را مآمنهای نیکنمای بیود
بدواً بش خدمت حاصه ناصرالدین شاه و سپس حازر مهر و جان سالار و ناظر صرف حاص و بدان
مناسبت حکومت مازندرانرا هم دارا شدند، حامل خشنهای طلای عسکری (ع) و در رکاب ناصرالدین شاه بعبتات
عالیات بود و معده سرداری یک از حصص ثلاثة قشون و در دو سفر ملازم رکاب همایونی دواروبا گردید . همینکه
میرزا علی اصغرخان امیر السلطان مخالفت آن مرحوم را در عدم امضای امتیاز رژی مانگلیسان دید سای مدمنشی
را با حصرتش نهاد مرحوم هم عرس اختیار و از جمیع مشاعل دواق استعنا و انزوا گزید . در اواخر مرحوم
مظفرالدین شاه واسطه اصلاح بین ملت و دولت و عودت علای اعلام از قم بطهران و صدور فرمان مشروطیت
و در استحکام اساس آن اقدامات جدی فرود . در زمان محمدعلی میرزا ما ایسکه مشاعل بزرگ ما اصرار رجوع
مرحوم میشد انزوا را از دست نداده و نهرت خودشان را از مدمنشی های محمدعلی نسبت علت طاهر مبداشت
و در هیچ موقع از خیرخواهی وطن و نصایح شاه جوان در همراهی مشروطیت فروگذار نه نمودند ، و مکرر
در اصلاح بین ملت و دولت قیام کرد قبل از انهدام مجلس مقدس انجمن عالی که مرکب از جمیع ذبیقات بود
در دولت منزل مرحوم منعقد گردید و از طرف مجلس مقدس نیز برای محاربه ما محمدعلی شخص شعیبشان انتخاب
شد، در او آخر محمدعلی نیز منهای مجاهده را در اصلاح دات البس فرمود، همینکه جوانی محمدعلی ایشانرا از اصلاح مأیوس
ساخت در خارج طهران قیام فرمود ، و میتوان گفت در مدت پنجاه و پنج سال خدمات دولتی با این همه
مناسب حلیله و عهده های بزرگ باکدامن ترین و حال دوره خود در عدم خیانت بوطن بود و الحق بر حسب
مقتضیات کنونی بهترین نایب السلطنه برای ایران بود

مرحوم عضدالملک ۱۴ ماه به نیابت سلطنت در این دوره انقلاب برقرار و ما کبرس و هجوم اختلافات
بین وزرا و مجلس و انقلابات داخلی و خارجی قسمی از عهده این دمه داری بزرگ برآمدند که ملوم هیچ
یارتی و محل تعرض هیچ دسته نگردید، و الحق میتوان گفت در این موقع نازک وجود چنین شخص
وطن خواه بی غرض برای ایران از نمای غیر مترقبه بود که بموجب خبر دوتر موزعه ۱۷ رمضان بایک
دنیا خوشنای و یک عالم و طنخواهی و داع زندگانی فرمود و ابرایات و ابرایات خویش مبتلا ساخت

تذکرات

(۱۱ رمضان - ۱۶ ستمبر)

§ دولت عثمانی با کپانی راه آهن آلمانی (انا تولی) در وادی (ادانا) در احصار مسکرات مقوله نموده، يك از کپانی های فرانسه از ۱۰ سال قبل در این مقصود سعی بود

§ دولت فرانسه اسکار از انعقاد کانگرس ملتبان مصر در پاریس نمود، و اعلان داد که فرانسه میخواید برخلاف مرضی دولت انگلیس حرکت نماید § روزنامه (ماتین) می نویسد بر حسب ایامی نولتین آلمان و آستریا بین دولت عثمانی و (رومانی) عهدنامه سوق الجذبی منعقد شده بموجب این عهدنامه اگر (بلغاریا) بدولت عثمانی حمله کند (رومانی) همراهی دولت عثمانی خواهد کرد، روزنامه (ماتین) را عقیده ایست که در این خصوص از دولت (ایتالیا) استصوابی شده است

(۱۳ رمضان - ۱۸ ستمبر)

§ بموجب تلگراف (مسکو) در حین مشق قشون دو هر آلمانی به شبهه حاسوسی گرفتار شدند (۱۴ رمضان - ۱۹ ستمبر)

§ تلگراف مصر ظاهر مبدار که ملتبان مصر از اسکار دولت فرانسه از انعقاد کانگرس در پاریس سعادت متعجباند و خیال شان ایست که اسکار فرانسه به اشاره دولت انگلیس میباشد

§ جراید (ویانه) و (برلین) می نویسند که قول روزنامه (ماتین پاریس) در باره عهد نامه سری بین دولت عثمانیه و رومانیسا موهومی است، اسکار جراند برای ایست که افشای این عهد نامه مورت کدورت دولت ایسالیه را تواند شد، در (بوکارت و اسلامبول) نیز اسکار از عقد چنین عهدنامه شده است

§ محبر (روتر) از اسلامبول خبر میدهد که از اجتماع دو اردوی لکت در سرحد یونان اهالی اسلامبول را متوجه ساخته در (موناستر) و (واستا) که عثمانیان تهیه قشون می بینند جواب همین مسئله است، اعیان دولت عثمانی در این باب ساکت اند شمال امتعه یونان متروک است

§ ۳ افسر آلمانی که در (مسکو) بشبه حاسوسی گرفتار شده بودند رهائی یافتند

(۱۵ رمضان - ۲۰ ستمبر)

§ امپراطور آلمان بتصد ملاقات با امپراطور آستریا برای دو روز در (ویانه) رفته اند، محبر

وارد (ویانه) شدند، امپراطور آستریا و سنیور دولت آلمان در نواح (ویانه) و امپراطور آلمان را با گرججوشی تمام ملاقات نمودند، و با صدا های خیر مقدم به قلعه (شوین برن) وارد شدند

§ (طمس) پاریس مینویسد که استقراض دولت عثمانی در لندن صورت بست

(۱۶ رمضان - ۲۱ ستمبر)

ز برای استقراض دولت عثمانی تاکنون تدارک صحیحی نظر نمی آید چه اغلب را عقیده ایست که درین امر پیش دست صرافان انگلیس مورت کدورت دولت فرانسه تواند شد

§ تلگرافی از (توکیو) ظاهر مبدار که عده از ژاپونیان محرم قصد قتل امپراطور ژاپون گرفتار و استنطاق شان در يك عدالت محصوص خواهد شد - این اولین مرتبه است که رعایای ژاپون بتصد قتل بادشاه خود سازش نموده اند - چنین تدارک شده بود و تئذیکه امپراطور برای ملاحظه مکتب ساسی خارج از قصر سلطنتی می شوند بقتل برساند، مصدق این خبر گرفتاری بباری از (سوشیالیت ها) در ژاپون است

§ در یونان دو دسته فوج کک را جهة مشق فراهم نموده بودند و این مورت تشکی دولت عثمانی شده بود - بموجب اعلان سیم رسمی برای رفع شت در (تهرلی) مشق قشون خواهد نمود

§ اداره بلدییه (ویانه) با احتشام فوق العاده امپراطور آلمان را بدیرائی، سفیر دولت آلمان امپراسورین را در سفارت خانه آلمان صیافت کرد، محبر (روتر) موقتاً از پاریس خبر یافته که دولت فرانسه تاکنون قرض دادن دولت انگلیس را به دولت عثمانی تصدیق ندارد، در آغاز اکتوبر این امر ظاهر خواهد شد،

(۱۷ رمضان - ۲۲ ستمبر)

§ (طمس) می نویسند که در خصوص قرضه دولت عثمانی تاکنون انتصابی نشده، البته وزیر طایفه عثمانی مسکامیکه در لندن بود باو گفته بودند که اگر از دادن قرضه دولت فرانسه قدم باز کشد بک ملی تأیید خواهد نمود، ممکن است زمانی طول کشد ولی بالاخره این قرضه با دولت فرانسه صورت خواهد بست

§ محبر (روتر) بذریعه موانق خبر میدهد اینکه دولت انگلیس در تدارک دادن قرضه بدولت عثمانی است بی اصل است بلکه صرافان اسلامبول به دولت

▶ جاره بچاره کن ▶

(مرا در دست اندر دل اگر گویم زبان سوزد)
 (وگر بنهران کنم تو سم که مفر استخوان سوزد)
 ما ایرانیان از سر تا پا غرق دریای اسارتیم و از اسارت خود غفلت نموده خودمانرا مختار مطلق و آزاده بقم آورده ایم ، در نیم را باخته ایم و در درج خویش می بنداریم و یوسف و من را بچاره تیره بختی انداخته و در کنعانت می انگاریم ، با تشنه جهالت شاخ و برگ استقلال ایرانرا از هم گسیخته ایم و حالا چشم بهره وری و برخورداری ازو میداریم ، مثل یکی از عرفا است که يك ماهی برفیق خود گفت که این همه اوصاف که از آب می شارند هرگز نشدیدم و هر سو تکوین می کنم اثری از او نمی بینم ، رفیق جواب داد که آبرو آنوقت توانی یافت که ازین دریا بیرون آفتی ، مصداق این مثال در حال ایرانیان ایران نشین مشاهده می شود که همه روزه در نامه های خود داد میزنند و در روزنامه ها فریاد می کنند که ما دست از استقلال خود نخواهیم کشید که تاب اسارت را نداریم ، ما غاشبه سکتش دیگران نخواهیم گشت ، ما پس ماده روسان را نتوانیم خورد ، ما طایفه اسلام تابع کفار نتوانیم شد ، که عالم را با زندان و مصحف را با زندیقان بجانست محال است .

ای بچارگان چشم عبرت باز کنید و دیده از خواب بردارید تا معلومتان گردد بارگران اسارت در دوش شماست ، و در زنجیر تبعیت روس اسیرید ، طمی وار در آب شور غفلت و بی نسکی و کسالت و بی ناموسی غوطه ورید ، به تو نتابی می مانید که از دود آتش درد شما روی جبهان خیره گشته و خود از آن بی خبرید و بوی دود را نمی شنوید ، ای غافلان نظری به ممالک مستقله و غیر مستقله بفرمائید و از تاریخ شام احوال روزگار خویش را بخوانید و به بینید که آیا مملکت شما جزو ممالک مستقله محسوب است یا در عداد مستعمرات روس معدود ؟ مستقل مملکتی است که در اجرای احکام و تنظیم ادارات و در عزل و نصب حکام و مأمورین حکومت و در عقد مقاوله و استقراض با خارجیان اختیار و آزادی داشته باشد ، مستقل مملکتی را گویند که در اختلاف و

شورش داخلی نمایندگان دول اجنبی بامور داخلی و به نفع و ضرر یکی از طرفین مداخله نکرده و اهالی را صرفه و بحال خود گذارد ، مستقل مملکتی را نامند که قانون همه مقیمین آن بطریق مساوات بجزی باشد و در حضور محاکم آن تبعیت غیرى ملحوظ نگردد ، استقلال حق مملکتی است که قونسلخانه های اجنبیان محاکم تبعه اجنبی نباشد ، استقلال مملکتی راست که دول اجنبی توانای حایت مقصرین دولت و ملت نداشته باشند ، استقلال مملکتی را مسلم است که سرباز و عسکر دولت اجنبی پای جسارت از سرحد بداخل آن نگذارد ، بیاید و مشاهده نماید کدام یکی ازین شرایط پیش شما موجود است که دم از استقلال میزند ، از اول شورش ایران که از تأثیرات بولتیک روس اتفاق افتاده بود تعدیات و تجاوزات نمایندگان این دولت در اقطار ایران خاصه در آذربایجان شبهه در گفته ما نگذاشته است ، بلکه روستائیان هم از مقاصد این مار بر زهر آگاهی حاصل نموده در مراحل امروزه دولتها از معاملات روس ایرانرا از دست رفته می انکارند ، جزو مستعمرات روس و انگلیس می بندارند ، مگر از یاد فراموش کرده اید که قونسل روس به بهانه حایت اکبروف در تبریز دیوانه وار شلول را بدست گرفته با تبعه روس پیش منازه های مجیدالملک هرچه بدمن می آمد در خصوص دولت و ملت و دین می گشت و هیچ بوظایف قونسلگری عمل نمیکرد در داخله کدام مملکت مستقل قونسل حق ارتکاب این عمل شنیع را دارا است؟ در اثنای محاربه از صبح تا شام و از شب تا سحر توپ و تفنگ و فشنگ را در روی اسز به پس و پیش انداخته اینطرف و آنطرف میکشت ، و در هنگامیکه گلوله تکرک وار می بارید عزیمت محله دوهجی دامنگیر خاطرش می شد ، گاه در اثنای شب بی اعلان و اعلام بعزم تفرج بخینال نعمت آباد رفتن می افتاد گاه به اردوی دولت اسلحه می فروخت ، گاه رفته بیدق به محله خیابان نصب میکرد و آن محله را دعوت به تسلیم می نمود ، گاه مجاهدین را گرفته حبس میکرد ، و بعد از درس دادن تفنگ را تسلیم شان نموده مستخلص میکردانید ، و بعد از چند روز مانند شهادت بیخوش

زاده برخی نتیجه ما می بخشید ، گاه رحیم خارا اعظم اشرا و زرگترین رهنان بقلم داده لشکر بسوی او می کشد ، و او را دستگیر میکند و در مدت چند روز دستور العمل کلی بدستش داده خلاصش میکند ، پس از آن بپاره دولت و ملت زحمت می کشد بولها صرف میکند لشکر تلب می سازد تا رحیم خان جان بدست آید ، معلوم شدن عجز و زبونی رحیم خان همان طرفداری روس ، همان در اینوقت رهن ، بلقب مقصر بوتیک ملقب و حبس نشین روس صدر نشین حمایت او میگردد ، در ممالک مستقله اهم جنایات خانی است که در حق مأمورین دولت و روحانیین آن فعل آرد ، در حقوق بین الملل ثبت است که اگر بعضی از روحانیین يك لشکر بدست لشکر دشمن اسیر افتد در رعایت حرمت و ابعای لوازم ایشان نباید کوتاهی کرد اگر مملکت ما هم مستقل خوانده می شد روس را اقلأ در هنگام صلح یارای هتک در حق علمای ما ~~که~~ واران ایما هستند نمیداشت ، و بولسان محترم ما اسیر روسان نمیشد اگر مملکت ما در عداد ممالک مستقله محسوب می بود عزل و نصب حکام در دست ما می شد و روس را حق ارتکاب باین کارها نمی گشت ، آبی نیست که در او مداخله و تعدیات روس به پیش بیاید و زحمانی که در آن مطلوبی و پستی ایران افزون نگردد ، روز نامه خوانده می شود که در او گفته شدن ده و بیست نفر در دست تبعه روس نوشته نگردد ، و روزی نمی گذرد که حقوق هزاران مسلم در دست ایشان ضایع شود اگر هر فرد فرد ظلمها و نفوذ های این دولت گزیده تر از کلب الحار یکایک بر شماریم کتاب منصلی می شود ، البته شما در ایران هستید هر ار مرتبه بیشتر از ما واتید ، و حال آنکه ایها پیش تعدیات زیری و مخفی او هیچ محض است درین جنک داخلی که رادر برادر خود و هموطن بهموض خود سوء قصد می کنند و میان اعضای مملکت تفرقه می افتد فرقه قصد کشتن برادران دینی خود می کنند همه از اشاره ابروی اوست ، و این همه بی نظمیها و بی اطاعتها که در اردبیل و تبریز و خوی و ارومی و زنجان و

از گربه رقاصه های اوست ، باقی که سر می کشد ایلدیک بی اطاعتی می کند ، حاکمیکه معزول می شود دیگری که مأمور می شود و کسیکه کشته و کسیکه نفی از مملکت میگردد باز سبب اوست . ذی نفوذی نیست که یکی از نوکرانش خفیه نویسی روس نکند ، خانه نی که یکی از کنیزانش حاله الحطب قونسولخانه های روس نگردد

چهار میلیون منات امساله از روسیه به ایران حمل شده در کجا مانده و به کجا مصرف کشته است همه به خفیه نویسان و نامسلمان و پشیمان ایران صرف شده تا اسباب چینی نموده اند و چون فرزندان شیطان همه عروق و اعصاب ایرانیان پی برده برکنز شیطنت اعلام کرده اند ، نفوذ این دولت نفوذ این دولت گرگ صفت به تنها بسر ایرانیان این حاکم مذلت را بچینه بلکه در عثمانی هم بسیاری ازین کارشکدنها کرده و بولها مصرف نموده و کومینته ها تشکیل داده تا یوفاستان را از دست عثمانیان بیرون کرد و باستقلال رسانید ، تا قره داغ سر از اطاعت ایشان بر بیچید ، تا صربستان طبل مجزائی را فرو کوفت تا بلغارستان تاج افتخار سلطنت بر سر نهاد ، تا بوسنه و هر سگ از دست عثمانیان به بجه ضبط و تسخیر اطریش برآمد ، امروز این ممالک وسیعه مذکوره که هر يك دم از استقلال می زنند و سابق چون اعضای وجود مملکت عثمانی بودند نبوده مگر از تحریکات بوتیک روس و حالا هم در فراهم نمودن اسباب اینگونه تأثیرات و حیل تصور ندارد ، مکتوبها و رساله هاییکه (بعضی از کارکنان و مأمورین و قونسولها و سفرای روس به بعضی دیگر نوشته و در آنها نتیجه اجرای نفوذ و ایبای خصومت خود را میان مملکت عثمانی خبر داده اند) بدست عثمانیان افتاده و این مکتوبها را کتابی کرده و چهل سال پیش چاپ نموده اند موسوم به مؤاییت ، هر که این کتابرا بظن عبرت مطالعه نماید در های عالم عالم رموز آگاهی و گنجهای فراوان محربه بروی گشوده خواهد گشت ، و خواهد داست ~~که~~ این اخوان شیاطین فریبها و تزویرها را داریند که خود شیطان هم از بافتن اینگونه دامها بی فاد عاجز است ، حالا این رساله گنجایش آن ندارد

در یکی از مکتوبها معلوم می شود که قونسول با زور بول میان کشیشان بلغاری را با کشیشان مسیحیان مملکت عثمانی بهم زده و در دیگری ارنا وودهای عثمانی را با اهالی قره طاغ همدست نموده است تا بداخله مملکت شورش افتد، و در بعضی از رسایل معلوم میگردد که کارکنان مخصوص روس اسلحه از قبیل تفنگ و فشنگ و غیره در میان طوایف مختلفه مملکت مجساناً و یا بصد يك قیمت اصلی قسمت می کنند و برای اشتعال آتش جنگ بیدان آنها هبزم کسی می نمایند. در بعضی از رسایل مینویسد که رؤسای اهالی بوسنه و هر سگ بول روس گرویده خلق را تحریک کرده اند تا عراض شکایت آمیز بخدمت وزیر امور خارجه روس فرستند و هم چنین در آنجا کومیتده تاسیس کرده اند و از آنجا بولهای فراوان بفرق مختلفه صرب و بلغار و ارواورد و روم و قره طاغ میدهند تا خودشانرا داوطلبانه سرباز بوسانده و بر صد مملکت عثمانی قیام نمایند در هر حال محیط مملکت ایران ماحدود این قبیل دول بر زور و جبر محدود و رؤسای ملت و اعیان دولت ما با اینگونه فینسوفان و عقلا شاخ بر شاخند، البته تکلیف بزرگی است که بدوش همت کشیده اند و معای مشکلی است که حل آن بار افکار آنان کشته است، ایشان هم خلیل وار اگر این آتش ایمان و ایران سوز را بر ما گلستان نمودند و روح وار کشتی شکنه اسلام و ماموس عارا از عرقاب و رطبه این مخاطر بجمودی نجات رسانند چه سعادت است که درك نخواهند کرد و چه خوشبختی است که نایل نخواهند آمد، و الا نظریں عموم ملت بنام ایشان تا جهان دارد کم خواهد شد و بر عموم لیس رفض ایشان از فرایض بومیه فریضه تر خواهد گردید، زیرا سر رشته در دست آنها است و اکنون شیرازه بند صحف مذهب تشیع ایشانرا می خوانند و میدانند، کسیکه بدین تکلیف شاق مکلف است باید در بستر استراحت مخسب و پیوسته در فکر محلیل عقده های پولاتیکی دشمنان هب را روز کنند و در تنظیم داخله سرموئی قصور نورزد، هم مسلمانان و هم کیشان را دور خود جمع نموده و با آنها برای انجام دست بدست دهند تا یکی ظمیر دیگری نگرند این بار را از هوش

ملت نتوانند بر داشت، و نباید اغراض و منافع شخصی و لباس پولاتیک پوشانیده و بدین وسیله میان اهالی تفرقه و منازعه لفظی بینزایند و مصالح ملك و ملت را عقیم بگذارند، هیات ا و ادا ارادالله رحمة دولة، من دار قوم اخطائوا لتدبیرا

گویا جهلای ما اینگونه اختلافات را در روزنامه های اروپائیان دیده و به ایشان تقلید کرده اند و میدانند که میان ایشان و ماها از زمین تا آسمان فرق است اولاً اینکه آنها معنی گدته های خود شان را می فهمند و منشاء اختلاف را تمیز میدهند و بالکلیه از عالم مجاز عطف نظر بعالم حقیقت نموده اند نایباً اینکه آنان بالکلیه از تدابیر و فریبها و گولهای دول احبب گریبان رها کرده اند و این گونه تأثیرات خارجی که در مملکت ما جاری است در میان آنان پیدا نیست، بصارت ساده همه چیزشان حاضر و مهیا است، و اختلاف که در میان دارند برای آن است که بیشتر از آنکه ملحوظ است ترقی کنند و بهمدوشان خود تقدم جویند، این اسباب در ماها جمع و موجود است، تکلیف حایه ما آن است که این اختلاف لفظی را بهکنار گذاشته با جدیت مشغول کار کردیم و باید بدانیم که در روی زمین چه در میان اقوام مرده و چه در میان ملل زنده عکس نمیتوانیم پیدا کنیم که بدتر از ما یا مثل ما لکه تاریخی آباء و اجداد و مذهب خود گردد، و یا اسباب ملعدت اخلاف و اولاد خویش باشد، یا پیش رئیس دین و پیغمبر خود مثل ما سر افکنده گردد مسلمانان الجزایر استقلال خودرا از دست ندادند تا دو میلیون نفوس و بجه میلیون استعداد فراسه را تلف نکردند، و تا مدت به سال با وی نه جنگیدند مسلمانان مراکش از قلت زاد و عدم استعداد نرسیده جنگ به آیه وای هدایه واعتصموا بحبل الله زده چند سال با دولت قوی اسپانیا بجه در بجه گذاشتند، و سبدروئی خودرا در سرخی خون خودشان یافتند و بقول خدا و پروردگار خود کار بستند که فرموده « لا یستوی القاعدون من المؤمنین غیر اولی الضرر و الجاهدون فی سبیل الله باموالهم و انفسهم فضل الله علی القاعدین درجه » و ساحه مملکت خویش را درهای خونین نموده خس و خاشاک ابدان اعدا

را بساحل نیتق انداختند ، بالاخره اسپایا تاب مقاومت نیاورده و دهان طمع را از آن مملکت بهم بست ، اما ما که تا امروز بناموس و شرف شهره جهاش کشته ایم میخواهیم که تلفاتی نداده و بولی خرج نکرده و رشادتی بخرج نداده مملکت را تسلیم اجاب نمانیم چه خوش مقابله ایست که یکی از دانایان نموده و فرق میان ملت و رؤسای ما را با ملت و رؤسای خارجه بمیزان عقل خود سنجیده که گفته است ، ملت آنان بولها خرج کرده و جنایای خود را بکف نهاده به اقصای عالم برای کشف اراضی جدید رداع وطن می میکنند و ترک اولاد می گویند ملت ما بدوهم و دینار فریفته کشته مملکت خویش را مکشوف و مسخر اجاب می کند و مادر وطن را بدست اجاب می سپارد مرکز اسلام را نشین گاه کفار می سازد ایشان هر روزی نقشه می کشند و خیالی می بزند و رانی اشاعه می دهند و تدبیری بدست می آرند که چگونه حدود مملکت خویش را وسعت دهند و ممالک مجاوره خویش را از استقلال انداخته انگشت تصرف بدانجا فرو برند ولی ما بمحض اینکه صاحب منصب روسی یا یکی از نمایندگان ما را بخانه خویش دعوت کرد و یا اینکه دست بسر ما کشید یا ما (مرگ من) گفت کلید خزینه بر قم امتیازات را بروی تسلیم می کنیم و ابواب بهشت ایران را بر ایشان کشاده میداریم

کروپاتکین صاحب منصب روس بعزم تعخیر ممالک ایران و افغانستان و ممالک هند می افتد بزرگان و صاحب منصبان ما دست لشکر روس را گرفته دلالت کنان از جلغا به آذربایجان و از رشت بمراتنج میرسانند ، ای ایرانیان از چه در خوابید و با این عظمت که ایران را در می بازید ایران دیگری خواهید یافت ، ای کسانی که به حیل کودک فریب بیگانگان گرویده اید اقسم بالله و خدا گواه است که مذهب شما از میانه برداشته خواهد شد و فرقه مسلمانان بدتر از یهودیان معامله خواهد شد ، بعلمت اینکه در هر جا یهودی است با ثروت توأمند و شما از آن هم ندارید ، بفقاز نگرید چون مسلمانان آنجا را محض بقای اسم استقلال ایران و اسلام چندان دست نمیزند و محل مذهبشان آتقدرها نمیکردند ، همینکه خدا نکرده نام ما در میانه تلف شد کارهایی را که بمحیوانات روا

نمی دارند با ما تکلیف خواهند نمود ، بعد از ده سال خواهیم دید ، از ایرانیان صد يك نمانده قسمتی از سیانت عرض خود قاصر آمده بدست خود خویشرا هلاک خواهند ساخت و فرقه از انحطاط احکام شریعت مقدس نبوی دلتنگ گشته خودکشی را بذلت زیستن ترجیح داده خویشرا بخراب آباد نیتق خواهند فرستاد ، گروهی اصالت وجودت ایران را در محو شدن دیده و آنها را وحشی ترین طوایف روی زمین باقیه گریبان جان را بدست بیقراری جاک و باره خواهند کرد ، برخی جلای وطن نموده و فرقه در زیر تونلها مانده و طایفه در محبس ها جان داده و گروهی در کارخانه ها سوخته و فوجی از گرسنگی جان بجان آفرین تسلیم نموده اند ، صد يك هم که موجود خواهند شد عدم شان بهتر از هستی شان خواهد بود ، در خانه های تاریک با رنگ زرد و تن موثین و ضعیف به انواع امراض و سفالت و فلاکت دو چار خواهند گشت ، و چنانکه از اوسترالیاییان امروزه فقط بانصد نفر باقی است و انگلیسان جانشین ایشان گشته اند و این بانصد نفر را هم محض انجام وظایف و خدمات رذیله خود شان باقی داشته اند ،

حالا عاقبت ما که همین منوال باین فلاکت خواهد رسید و این شرمت بر از زهر را کام ما هم خواهد چشید بهتر آت است که مقدمتاً بتدارک کار قیام مانیم و جیره کار خود جوئیم ، هیچ نباشد لکن بی ناموسی و بی شرفی را از صفحه تاریخ خود برداریم و راه سرزشت و توییح و لعن آیندگان خود ما را بر خود مسدود سازیم ، باید کوشش را از دست ندهیم که نتیجه خالی از دو چیز نخواهد شد ، یا ایران و استقلال خود ما را خواهیم یافت آن وقت بیض عظامی ابدی و نعم سرمدی نائل می آئیم ، و روح آباء و اجداد و جهانگیران ایران و ارواح و قلوب رؤسای دین را از خودمان خوشنود می مانیم ، یا اینکه نمود باقی بدست اجنبیان خواهد افتاد و آنوقت اقلاب ده و بیست میلیون پول و صد هزار لشکر بخصم قاهر خود ضرر رسانند خواهیم شد ، و اقلاب مملکت آباد را بر از مزار خود نموده تنها خاک قبرستان را بر ایشان تسلیم کرده خواهیم گشت ، و اقلاب در روی خاک اولادها رنگ

خونین ما را دیده از یاد خبر ما را فراموش نخواهند نمود
و این آثار شهادت ما ها برای خاطر شان تذکره
و یاد داشت کشته خود شارا مهبوس پنداشته دادم
در خیال استخلاص خویش از دست اجنبیان چاره
خواهند جست ، اگر از میان رفتن اسلام بعض
انقراض دولت اسلامی شکی دارید رجوع بتاریخ
فرمائید ،

پس برای حفظ بیضه اسلام و محافظه وطن مقدس
اولین چیزیکه از دست شما سهولت و میاید و آن
قدر صعوبت ندارد عدم استعمال امتعه روس است
و حرام دانستن داد و ستد آن که يك سال قبل
ملت عثمانی باین وسیله در مدت شش ماه صاحب
میلیونها شدند ، و اگر ما هم تا مدتی چون عثمانیان
دوام نمانیم مطمئن باشید سکه سبصد و چهار صد
میلیون امتعه او در انبار ها و کارخانها پوسیده
خواهد شد و آنوقت هر تکلیفی که ایرانیان پشاه
ایشان کنند فوراً سماعاً و طاعتاً خواهند گفت سلیمان
و اگر هم تکلیف ما را قبول نکردند اقلأً بخصم قاهر
خود چهارصد میلیون ضرر رسیده خواهیم بود و
اقلأً آن مبلغ گزاف در کبسه ملت خواهد ماند
و این همه بی کاران بروی کار خواهند آمد و به
تثبیت ملت و جلائی آن هزار مقابل افزوده خواهد
گشت و این همه اوقات عزیز شان صرف باجبار و
اختراع امتعه و قاریک خواهد شد ، باز اگر در
این مدت از این تشبثات بهره ندیدند آخرالدواء الکی
باید دامن مجاهدت را بر کمر همت بست و هر چه
باداباد از ضعف و بی استعدادی چشم پوشید ، از
حربه به جسارت و از سنگر به تن قناعت باید
نمود عقل خود را کوماندان مطلق و حقیقت اسلام
را حرز و حائط خود قرار داد آنچه خوف و
وحشت که در اول جنگ از لشکریان دولت و اثرار
رحیم خان داشتیم امروز هزار يك آن را از لشکر
روس نداریم آنوقت صدای توپیکه شنیده می شد
همه در زیر زمین ها به پشت می خوابیدند و کان
میکردند که تبریز را يك توپ زیر و زیر خواهد
نمود بالاخره کودکان در کوچه و بازار می گشتند
و جوراها و بی باکها خود شارا بروی گلوله توپ
می انداختند و پس نمی ماند که گلوله را به آماج نرسیده
بگیرند اول محسبانه ملت بطرز برداشتن جنگ و

کشیدن چنقاق و زدن نشانه را بلد نبودند اما در
اواخر با چهارده نفر دو هزار نفر اردوی رحیم
خان را فرار دادند و با چهل نفر بهفت هزار نفر
اردوی ماسکو غالب آمدند و حال آنکه آنگاه
هیچکس از ته دل جنگ نمی کرد و کشیدن سلاح
بروی برادر مسلم خود روا نمیدانست امروز کسی
در آذربایجان سراغ ندارم که علم جنگ را قدر
قوه خود دارا نکرده ، روس با بازده میلیون نفوس
ما کجا میتواند مقاومت نماید ، روس بیشتر از صد
هزار نفر نمیتواند بسرحد ما سوق نماید آنگاه هر
صد و پنجاه ایرانی یک نفر روس بیشتر نمی آید و همه
می دانید که تلفات لشکر مهاجم بیشتر می شود از
تلفات مدافع و شجاعت و حقیقت اسلامی مزید
بر همه اینهاست ، ایرانیان بهوش آید که وطن
در حالت نزع است معالج و دلسوزی جز شانی ، اگر
درین چند روزه بملاجش کوشیدید فبا و الا دیگر
به حسرت استقلال خواهید ماند و دیگر مادر وطن
بشا ها آغوش شفقت نخواهد کشود اینک گرگان
آدمی صنت در لندن حکم تقسیم ایران را به امضا
رسانند و اینک صحبت کشتن ملک خوب سیرت و
حوری باک طینت وطن به انجام میرسد ،

نزدیک است که با کار و اسلحه زیر عبائی
مهاجم شما ها شوند ، علاجی جز جنگ نداریم ،
جنگ و مدافعه از وسایل بهبودی مرض وطن
مقدس ماست جنگ حلال مشکلات است ، جنگ
شنا بخش هرگونه آلام ، در حدیث است که از
عداد مسلمانان شمرده نمی شود کسیکه در دل او
تعصب نباشد و از آرزوی جهاد و کشته شدن در
راه اسلام غفلت نموده باشد ، قربان غیرت و همت
شما ها ، چین و کسالت بخود راه مدهید که در
آخر خواهیم مرد و زحمت مرگ بیشتر از نیم ساعت
در ما ها اثر خواهد گذاشت ، مسلمانان بچنگید که
امروز جنگ سبب حیات ملت است ، جنگ است
که ترانسوال را از جنگ شیر گرسنه خلاصی داد
جنگ است که ژاپون را شهرة آفاق نمود در مقدمه
یکی از جنگها ، یکی از عقلای مملکت عثمانی طرف
شور سلطان خود گشت و سلطان در خصوص جنگ
و ترك جنگ از و صلحت طلبید ، عاقل در جواب
گفت استقلال وطن حیات وطن است همیشه وطن

صدمه و آرد آمد مدافعه او فریضه ذمه ما است اگر به مقصود خود مان نرسیدیم آنگاه وطن از دست رفته قبرستان شهدای با شرف و ناموس ما خواهد گردید ، گرده از عنایان بردارید که در این مدت یکسال که به نعمت عطای آزادی رسیدید اند کارها می کنند که افکار دول اروپا را غرق خوف و وحشت میگرداند امروزه در پایتخت شصت هزار عسکر مسلح موجود است و چهل هزار نفر هم با آراوود ما مشغول جنگند ببلایه همه روزه فوج بسرحدهای خود می افزایند آلات و اسباب حرب همه روزه تازه می کنند اسلحه جدید الاختراع از هر قبیل از هر نقاط و اقصای عالم ، مملکت خود می آرد ، هزاران مکاتب ذکور و انات درین مدت قلیل کشاده اند و هزاران شاگرد و هزاران صاحب منصب بطرف اروپا فرستاده اند هر روز گروه گروه مسافر بزم دیدن اوضاع عساکر و افواج و قوای بری و بحری و کثرت ثروت و انواع ماشین ها و بالونها و کارخانه های اسلحه سازی مسافرت ممالک اروپا می کنند و هر روز مدیران و خابطان و مالکان ماهر از اروپا بعض تنظیم ادارات بروی کار می کنند ملت در مدت یکسال مقدار دو ملیون تومان اعانه برای افزودن قوه بحری بدولت خویش پرداخته اند و بیست و پنج هزار نفر خود را داو طلبانه سرباز نویسانده اند ، سرمشق از حیث یک نفر هموطن خود تان قنای نام بردارید که چند روز پیش در اسلامبول همینکه در روز نامه ما قصه پر حزن و غم تقسیم ایران را خواند برخواسته و خود را بدریا انداخته و گفته بود ، آه ، ای ایران ! تو بدست اجاب افقی و من با این بی عاری زنده کی کم ، بعد از تو من چطور بروی افراد ملل عالم بنگرم و بچه شرم و حیا در میان همدوشان و همسالان سر بلند نیام ، تو از دست اجاب زهر اجل و اضحلال بوشی و من شهید عیش و زنده کی را با کام جانب برسانم امروز عبرت و کثرت حس وطن خواهی این ایرانی ستوهای روزنامه های عنانی را مشغول نموده ، ای ایرانیان بکوشید که ایران مال ایرانیان است و ایرانیان از ایران دست نخواهند کشید ، ایرانیان بدایغ فراق مادر شن هراز ساله خویش تاب نخواهند آورد ، کور باد بده که جز روی

ایران ببینند که باد گوشی که غیر از سدهای ابراه بشنود شکسته باد قلمی که جز شرح تو نویسد ، سوخته باد صفحه که جز نام تو در آن خوانده شود گنگ باد زبانی که جز از مظلومی و بتوازی و بیچارگی تو سخن رانده هرگز بی فکر تو نخواهد شد و بی ذکر تو جان بجان آفرین تسلیم نخواهیم نمود و بی تو با عیری قرین و انیس نخواهیم گشت که تمامی سعادت دنیا و عقبای را جامی و تمامی ذخایر و محصولات را حاوی ، مذهب اسلام در تو است مقام و مزار کبرای مان در خاک تو

(قاش گویم وز این گفته خود دلشادیم)

(ما فدای تو و از هر دو جهان آزادیم)

(سید علی احمد زاده)

واقعات جنگ طهران

(نقل از روزنامه شریفه شرق)

(مقدمه)

چنانکه خواطر محترم عموم مسبوق است بواسطه یاره ما ملایبات و وقایع وحشت انگیزی که در ماه رجب از بعضی مجاهد نامهای بی مسلک بی وجدان بوقوع پیوست که صرف نظر از اغتشاش مملکت امنیت عموم را مسلوب داشته بود و میتوان گفت بهانه خوبی بدست دشمنان داخلی و خارجی برای اعدام استقلال مملکت و اضحلال حریت ملت مبداد - مجلس شورای ملی در روز سه شنبه ۲۶ شهر رجب کابینه وزراء را حواسته و جدأ انتظام امور شهر و آسایش عمومی را از هیئت وزراء عظام خواستار گردیدند ،

هیئت وزراء محترم حصول امنیت و آسایش عمومی را در نزع وترك سلاح عمومی دیده و برای اجرای مقصود اصلی که عبارت از آسایش عمومی باشد اقتدارات و اختیارات تامه را از مجلس شورای ملی خواهان شدند -

مجلس شورای ملی پس از مذاکرات و مباحثات طولانی (که حتی بعضی از وکلا خواهان حکومت نظامی بودند) اقتدارات و اختیارات تامه را که وزراء محترم پیش نهاد کرده بودند و عبارت از چهار ماده بود به اکثریت آراء تصویب نمود ، و هرچه زودتر اجرای آراء خواستار گردیدند ، در صورتیکه از بدو تشکیل حکومت ملی بظن

اقتدار و اختیار تامه کامله از مجلس شورای ملی به هیچ
یک از وزراء و یا کابینه وزراء داده نشده است -
از روز سه شنبه هیئت وزراء عظام مشغول
اقدامات و تهیه لوازم پیشرفت کار و حصول آسایش
عمومی گردیدند -

نخستین اقدام کابینه وزراء عظام برقرار نمودن
جناب مسیو فرم خان را که شرح جانشانیها و
خدمات و زحمات ایشان به آزادی و استقلال مملکت
ایران لازم شرح و بیسان نیست و نوان گفت از
اولین اشخاص فعال و امناء حکومت حاضره هستند
ریاست نظمی کل ممالک محروسه ایران، چه که همه
میدانند امروزه در ایرانشه بفر از جناب مسیو
فرم خان برای تشکیل و اداره کردن امور نظمی
و صحت اداره آن ما کسی را نداریم -

و اگرچه در عرض این مدت (یعنی پس از
عودت از قفق قراچه داغ) چندین مرتبه ریاست
نظمیه را به ایشان تکلیف کردند و ایشان از قبول
استنکاف نمودند ولی بواسطه اهمیت موقع و اصرار
وزراء عظام مجبور در قبول شدند

پس از قبول مشغول اقدامات و تهیه قوا (که
نخستین شرط یک اداره نظمی است) شدند روز
جمعه ۲۹ شهر رجب اعلان بزرگی که بر تمام در و
دیوار طهران چسباندند یعنی بر چندین ماده اقتداراتی
که از جانب مجلس شورای ملی به هیئت وزراء عظام
واگذار شده بود و اینکه باید ترک اسلحه شود و
قیمت اسلحه را معین نمودند که هر کس اسلحه
خود را آورده قیمت معلوم معین از کیسیون مخصوص
اینکار دریافت خواهد داشت و چنانچه کسی تا عصر
روز شنبه سلخ رجب اسلحه خود را نیاورد جزء
متمردین و مانعیان دولت محسوب شد و با او همان
معامله خواهد شد که با مانعیان دولت معامله میشود ،
و چنانچه فهمیده شود در جائی اسلحه هست دولت
انجا را با خاک یکسان خواهد کرد الخ - چنانچه
همه قرائت نموده و خوانده اند -

بعد از انتشار اعلان مذکور در عرض در روز
مزبور جمعه ۲۹ و شنبه سلخ اشخاص بی غرض اصلاح
طلب که مطمح اوامر دولت بودند از هر قبیل اسلحه
که داشتند بتوسط اداره نظمییه بوزارت جنگ داده
و قیمت نظمییه خود را دریافت داشتند

ولی با کمال تأسف عده از ساده لوحان بی مسلک
و مجاهد نمایان بی وجدان به محریک کانون فساد یعنی
میرزا سلطان برادرزاده سردار منصور اسلحه خود را
نداده و طریق باغی گری بدولت را پیشه و رویه
خود قرار دادند و رفتند در پارک اتابک که محل
اقامت آقای ستار خان سردار ملی است جمع شده و
علناً مخالفت با دولت را اظهار داشتند

متمردین مذکور پس از انتشار اعلان از روز
جمعه در پارک اتابک مجتمع بودند در عرض این دو
روز که تا عصر شنبه بوده باشد آنچه از طرف دولت
و امناء دولت و وکلاء محترم مجلس شورای ملی
به ساده لوحان و متمردین و اشراک نصاب دوستانه
در نزع سلاح و ترک اسلحه و اطاعت اوامر دولتی
شد مؤثر واقع نگردید و علناً مشغول شکر بندی
بوده و مخالفت با اوامر دولت را اظهار میداشتند

پس از اقتضای مدت که از شب یک شنبه غره
بوده باشد بر حسب اعلانی که در روز جمعه داده
شد امناء دولت علیه مشغول اقدامات شدند

از صبح روز یکشنبه عده سواران مجبور
بمختیاری در تحت ریاست خوانین و روسای محترم
خود مأمور محاصره پارک اتابک شده و اطراف پارک
را بفاصله های بیدیه محاصره نمودند و بتدریج از
وزارت جنگ و اداره نظمییه استمداد و قوای کافیه
از قبیل رژیان اول ، ژاندرام ، سواران امنیه ،
قزاق ، پلیس و غیره ها فرستاده شد ،

با اینکه موافق اعلان اداره نظمییه باید از شب
یکشنبه مشغول سرکوبی متمردین بشوند معزها به
هیچگونه عملیاتی در روز یکشنبه نپرداختند و فقط
محض ترساندن متمردین اطراف پارک را از فاصله
های بیدیه محاصره نمودند ،

در روز یک شنبه غره هم آنچه از طرف امناء
دولت نصاب مفیده به متمردین شد مؤثر واقع نیشاد
حق اینکه وزیر مختار آلمان و شارژدافر ایتالیا
قبل از ظهر روز یک شنبه غره به پارک رفته و با
بیانات دوستانه آنان را تکلیف در اطاعت اوامر
دولت و نزع سلاح می نمودند - از طرف دیگر
آقای ستار خان سردار ملی آنچه می توانستند و ممکن
بود متمردین را در ترک و نزع سلاح نصیحت
فرمودند ولی از انجاییکه کانون فساد یعنی میرزا سلطان

از اشتغال آتش فساد خود داری نداشت متمردين را مانع از استماع نصایح امراء دولت و آقای سردار ملی کردند - و متمردين علناً اظهار مخالفت نمودند آقای سردار ملی محض اینکه شاید متمردين خجالت از سرکشی و مخالفت خود بکنند بوزارت جنگ و اداره نظمیه تلفون در فرستادن کسيون برای تحویل اسلحه و دادن قیمت آتش نمودند فوراً کسيون مخصوص برای اخذ اسلحه و تأديه قیمت آن به يارک رفته و هرچه نصیحت سکردند مؤثر نشد و کسيون را رجعت دادند - و باکمال پروا مشغول سکر بندی شدند - و فراری که شنیدیم آقای سردار ملی چندین مرتبه خواستند از باغ بیرون آیند ولی متمردين مانع شدند

و چندین مرتبه وکلای محترم تبریز و کردستان و غیره ها یارک رفته با بیانات اینکه متمردين را نصیحت در ترك اسلحه نمودند حتی آنکه میباید لگنت دواساز از جانب هیئت وزراء رفت و اظهار داشت صرف نظر از قیمت اسلحه دولت مبلغ سه هزار تومان علاوه بصاحبان اسلحه میدهد که اسلحه خود را تسلیم نماید باز مؤثر واقع نشد

و همین طور مأمورین دولت از فاصله های بعیده يارک را محاصره نموده و بدون هیچگونه عملیات و اقداماتی ایستاده و منتظر اجرای اوامر فرمانده های خود بودند

تقریباً در سلامت بفرود مانده چند نفر از متمردين از توی يارک بیرون آمده و بطرف سواران بختیاری شلیک میکنند در این ضمن صدای تنگ از اطراف بلند میشود ولی به بطور جنگ رسمی در این موقع حضرت آقای سردار بهادر فرمانده کل قشون با آقای مسیو فرم رئیس کل نظمیه در میدان توپخانه و اداره نظمیه تشریف داشتند از جانب قشون دولت راپورت جبارت آمیز متمردين بایشان داده میشود حضرت آقای سردار بهادر فوراً تشریف میبرد به دوبار حضور هیئت وزراء پس از مذاکرات زیاد از هیئت وزراء حکم به سرکوبی متمردين داده میشود فوراً حضرت آقای سردار بهادر فرمانده کل قشون با سواران زیادی بسمت يارک اتابک تشریف می آورند

و در خیابان مدرسه ارمنه رحل اقامت افکنده

و حکم برش به سواران بختیاری و رؤسای جدید بطرف يارک میدهند مأمورین بدون اینکه شلیک بکنند بسمت دواب يارک می شتابند فوراً از جانب متمردين يارک کلوله زیادی بسمت مأمورین دولتی انداخته میشود که در آن حین عده زیادی از سواران بختیاری و رؤسای جدید مقتول و مجروح میشوند که از آن جمله عبدالله خان حسام نظام که از خوانین رشید دلاور بختیاری است مقتول میشود

این حرکت منجر است که از طرف متمردين سرزد علناً سرکشی و بای گیری آفات را آشکار ساخت و دیگر موقع سکوت و ملامت گذشت حضرت آقای سردار بهادر پس از مشاهده این حال فرمان جنگ و سرکوبی اشرار را دادند و فوراً چندین مراده توب از شنیدند و اطریش و ماکین آورده از اطراف امر به شلیک شد

در این موقع برای کسب اخبار صحیح و واقف بودن از حقایق امر دیر مخصوص اداره ماهمه جا با سردارها و مأمورین دولتی حتی در حمله به يارک و تصرف يارک و دستگیری متمردين و غیره ها شخصاً حضور داشت و وقایع دیر را بالبيان مشاهده میباید پس از آنکه از طرف رؤسای قشون دولتی امر به شلیک کردید از اطراف شلیک توب به دیوارهای يارک شده و مأمورین نظامی و غیره ها حمله بردند از طرف متمردين هم کلوله مثل باران از يارک بر دامبان و مأمورین دولت می بارید -

تفصیل و واقعه سرکوبی متمردين

در طرف مدرسه ارمنه حضرت آقای سردار فرمانده کل حضور داشته و حکم حمله به سواران غیور بختیاری دادند و توبی هم با توب شنیدند در تحت فرماندهی آقای سردار بهادر شلیک میکرد حضرت آقای سردار محترم و آقای سردار اشرف و آقای معین هابون و عباس خاں احمد خسروی قدری پائین تر مقابل خیابان حتی با سوارهای بختیاری مشغول حمله و شلیک با تنگ بودند در باغ مشیرالدوله که رو بروی گوشه جنوب ضری يارک امین السلطان است و محاذی دروازه یوسف آباد است ژاندارمها مشغول شلیک توب شنیدند و بودند از سمت سفارت انگلیس بمین نظام با توبهای اطریشی و ۱۰ سائیمطری مشغول مدافعه بودند

از سمت خندق و دروازه یوسف آباد آقای محمدخان اخوی کوچتر حضرت آقای سردار بهادر با سواره بخنباری و امنیت مشغول مدافعه بودند از سمت دیگر سوارهای حضرت آقای مصمص السلطنه بهوش و شلیک متمردین را از سنگرها عقب نشاندند تقریباً از دو ساعت بفریب تا یک ساعت از شب از طرفین زد و خورد سختی کردند و از توی یارک هم گلوله و بمب و دینامیت مثل باران بر سر مامورین و نظامیان دولتی میبارید که عده تلفات و مجروحین دولتی زیاده از تصور شد تا اینکه یک ساعت از شب درب پارکی که در گوشه جنوب غربی رو بسمت خیابان یوسف آباد است با نطف آتش زده شد (و در همان حین چندین بمب از طرف متمردین به سمت نظامیها و مامورین دولتی انداخته شد) پس از آتش زدن درب شلیک توپ شنیدر از گوشه باغ مشیرالدوله بطرف دیوار و درب یارک اتابک شروع شد از برای اینکه راه حمله به باغ اتابک برای مامورین دولتی باز باشد .

تقریباً ده ساعت از ظهر یکشنبه که سه ساعت از شب دوشنبه گذشته باشد رؤسای قشون دولتی و سوارهای بخنباری و ژاندارم با توپ ماکسین از همان درب که آتش گرفته بود به توی یارک حمله کردند در حالتیکه تاریکی شب در منتهای درجه بود و ابدأ آثار روشنائی بنیر از گلوله های آتشین از جای دیگر نمایان نبود

و متمردین که در بالای درختها و سطح باغ و توی عمارت و بالای دیوارها پراکنده بودند گلوله بی در پی خالی میکردند که در آن موقع حمله هم تلفات دولتیان زیاد شد

در خود یارک تقریباً نیم ساعت شلیک توپ ماکسین و جنگ در تاریکی اشتعال داشت

در ساعت یازده پس از آنکه فشنگ باغیان و متمردین تمام میشود و دیگر اسباب زد و خورد و جنگ با دولت را نداشتند امان می آورند

و فوراً کاغذی از آقای سردار ملی و آقای سالار از توی عمارت یارک به رؤسای قشون دولتی میرسد که متمردین امان آوردند فوراً حکم سکونت و آرامی و ترک جنگ از جانب رؤسای قشون دولتی داده میشود

به اندازه ده دقیقه در باغ یارک یک حالت سکوت حیرت آمیزی در آن تاریکی شب دست میدهد ولی متمردین که اغلب متفرق در بالای درختها و راه آنها و کله عمارتها بودند گاهی گاهی تک تک

گلوله فشنگ بطرف مامورین دولتی می انداختند رؤسای قشون دولت حکم میدهند که بروند متمردین را خلع سلاح بکنند در این حبس و بیس آقای باقر خان سالار ملی در حالتیکه قطار فشنگ جب و راست آورخته بودند و فشنگ در دست داشتند بطرف رؤسای اردوی دولتی می آیند فوراً رؤسا بتوسط شمع کبریت ایشان را شناخته و دست داده پس از آن خواب ایشان را با کمال احترام با حی سوار و ژاندارم برای استراحت بسمت منزل حضرت آقای مصمص السلطنه روانه می نمایند و خود رؤسای قشون با کمال ملامت بطرف عمارت یارک رفته و عمارت را متصرف میشوند

مامورین بتدریج متمردین را در حالتیکه فشنگ شان تمام شده بود و فشنگ حالی در دست داشتند دستگیر نموده بحضور رؤسای قشون می آورند و توقیف می نمایند ، در این ضمن قاتلین حجت الاسلام بهمانی و آقا میرزا علی محمد خان شهید که بعضی را دیده و بعضی را مطمئن بودند دستگیر می نماید

در این ضمن جناب آقای دکتر سهراب خان دکتر مخصوص قشون دولت (که همراه قشون دولت بفراچ داغ رفته و مصدر خدمات نمایان شایان تعریفی گردیدند) و از اول جنگ شب همراه رؤساء بودند با دبیر اداره ما و آقا میرزا قاسم خان شیرازی برای کسب اطلاع و تعیین عده مقتولین و مجروحین در اطرافهای فوقانی عمارت یارک حرکت میکردند خدمت آقای ستار خان سردار ملی مشرف میشوند (از قرار معلوم در حالتیکه جناب ایشان از عمارت تحتانی فوقانی تعریف میبردند گلوله علقماً بیای چپ ایشان می خورد و استخوان را سوراخ کرده بیرون میرود) جناب ایشان در گوشه عمارت بودند فوراً آقای دکتر سهراب خان اسباب جراحی را از کمر باز کرده و مشغول معالجه می شوند پس از بستن زخم و گذاشتن تخته روی پا کالسکه مخصوص در آن موقع شب آورده و جناب ایشان را با کمال احترام بطرف منزل آقای مصمص السلطنه حرکت میدهند در ضمن معالجه و بستن با آقای سردار ملی زیاده از حد اطهار افسردگی و دانسی از تمرد متمردین می نمودند

رؤسای قشون دولتی تا سه ساعت از نصف شب گذشته که هشت ساعت از شب بوده باشد در یارک بوده و عده متمردین که دستگیر میشوند بالغ به سیصد نفر بودند تمام را بطرف نظامیه یا مامورین ژاندارم و رؤسای جدید و غیره هم حرکت میدهند